# شناسایی عوامل محدودکننده و ناقض حقوق مالکیت

کد موضوعی: ۲۲۰
شماره مسلسل: ۱۳۴۴۲
دی‌ماه ۱۳۹۲
نام دفتر: مطالعات اقتصادی

**به‌نام خدا**

## فهرست مطالب


چکیده ..... ۱
مقدمه ..... ۱
۱. حقوق مالکیت چیست؟ ..... ۳
۲. چگونه حقوق مالکیت (فیزیکی) در جامعه تأمین می‌شود؟ ..... ۵
۳. یک قرارداد چگونه شکل می‌گیرد؟ ..... ۹
٤. چه دلایلی سبب محدودیت و نقض حقوق مالکیت می‌شود؟ ..... ١٤
٥. عملکرد ایران در شاخص‌های حقوق مالکیت ..... ٣٦
منابع و مآخذ ..... ٤٠

# شناسایی عوامل محدودکننده و ناقض حقوق مالکیت


## چکیده

تضمین حقوق مالکیت، سیالیت جریان‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد و برای توسعه کسب‌وکارها در اقتصادهای رو به رشد حیاتی است. اقتصاد ایران نیز از این امر مستثنا نیست. در این نوشتار برای شناسایی متغیرها و مؤلفه‌های مؤثر بر حقوق مالکیت از ساختار نظریه بازی استفاده کرده و با تشریح فرآیند شکل‌گیری قرارداد در جامعه، به بیان و تشریح این موضوع پرداخته می‌شود که چه متغیرها و مؤلفه‌هایی از حقوق مالکیت سبب خواهد شد تا قراردادی نقض و یا اساساً منعقد نشود. به‌عبارت دیگر براساس چارچوب مورد پذیرش در پژوهش حاضر، زمانی حقوق مالکیت تضمین می‌شود که چارچوبی در جامعه ایجاد گردد که اولاً، مالکیت افراد را در برابر املاک و خدمات دارایی‌هایشان تضمین کرده و از سلب آن توسط سایرین جلوگیری کند و ثانیاً، در جامعه ساختاری فراهم شود که براساس آن انتظارات آتی افراد نیز در مورد حق مالکیتشان بر دارایی‌ها و اموال به‌گونه‌ای باشد که افراد نسبت به تضمین مالکیت دارایی‌های خود در آینده اطمینان داشته باشد. در این شرایط هر متغیری که از لحاظ نظری باعث شود تا حق مالکیت افراد نقض شود و یا اینکه بر انتظارات افراد اثر داشته و با کاهش اعتمادشان، سبب کاهش تمایلشان به انجام فعالیت اقتصادی و انجام قرارداد گردد، می‌تواند «ناقض حقوق مالکیت» قلمداد شود.


## مقدمه

مفهوم حق مالکیت فردی، حدود یازده هزار سال پیش و از همان زمانی که انسان به رام کردن حیوانات، شکار و کشاورزی پرداخت، در بطن جامعه وجود داشته است.[۱] تا آنجا که باستان‌شناسان بر این عقیده‌اند که هیچ‌گاه کشاورزی قادر نبود تا قبل از ظهور حقوق مالکیت فردی پدید آید، زیرا کشاورزی موفق مستلزم وجود چنین حقوقی بود (برایندوود و ویلی،[۲] ۱۹۶۲: ۳۴۳).

---

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد روند شکل‌گیری مالکیت اولیه، ر. ک.:

- Eaton B. Curtis and William D. White (1991), The Distribution of Wealth and the Effidency of Institutions, Economic Inquiry, 35:2, PP. 336-50.
- Sugden Robert (1986), The Economics of Rights, Cooperation and Welfare Oxford: Basil Blackwell.

2. Braindwood and Willy

در دنیای رابینسون کروزوئه (زندگی غیراجتماعی و منفرد)، حقوق مالکیت نقشی بازی نمی‌کند: حقوق مالکیت ابزار یک جامعه است و به فرد کمک می‌کند تا انتظاراتی را که به‌طور معمول می‌تواند در ارتباطش با دیگران داشته باشد، شکل دهد. این انتظارات در قالب قوانین، رسوم و سنن یک جامعه تبلور می‌یابند. ازاین‌رو با شروع زندگی اجتماعی مفهوم حقوق مالکیت نیز نمود می‌یابد. اما مباحث نظری در باب اهمیت حقوق مالکیت از اواسط قرن شانزدهم رونق گرفت. شاید بتوان گفت جان لاک[1] اولین اندیشمندی بود که به‌صورت نظری به بیان اهمیت حقوق مالکیت پرداخت.

اما در مکاتب اقتصادی، حقوق مالکیت با نگرش نهادگرایان در اقتصاد گره خورده است. تا جایی که این موضوع یکی از اساسی‌ترین مباحث مطرح شده در اقتصاد نهادگرا شمرده می‌شود که ارتباط نزدیکی میان علم اقتصاد و حقوق برقرار می‌کند. بسیاری از تحقیقات تجربی نشانگر این واقعیت هستند که تضمین حقوق مالکیت در جامعه می‌تواند زیربنای توسعه و سیالیت جریان‌های اقتصادی را محقق سازد.[2] ازاین‌رو بسیاری از جوامع در سال‌های اخیر به‌دنبال آن بوده‌اند که با استفاده از راهکارهای مختلف، سطح تضمین حقوق مالکیت در جامعه را ارتقا دهند. اقتصاد ایران نیز به‌واسطه حرکت در فرآیند توسعه، نیاز خواهد داشت تا بیش از پیش به این مفهوم مهم اقتصادی توجه داشته باشد، اما متأسفانه بسیاری از شاخص‌های جهانی در باب حقوق مالکیت، رتبه نازل ایران را در میان کشورهای منطقه و جهان از این منظر نشان می‌دهند.

در این تحقیق، به اختصار مفهوم حقوق مالکیت را معرفی کرده و در ادامه مواردی را که به‌واسطه آن حقوق مالکیت نقض و محدود می‌شود را تشریح خواهد شد. سپس فرآیند شکل‌گیری یک قرارداد اقتصادی را تشریح می‌شود تا هر چه بیشتر بتوان جایگاه و کارکرد تأمین یا تحدید حقوق مالکیت در فرآیند قراردادهای اقتصادی اجتماعی را شناسایی نمود. در بخش پایانی، به معرفی روش‌ها و متغیرهای کمّی اثرگذار بر شاخص‌های حقوق مالکیت در دنیا تأکید کرده و جایگاه ایران را به‌صورت خلاصه نشان داده خواهد شد.

1. John Locke

۲. برای مطالعه بیشتر در مورد دیدگاه اقتصادی در باب حقوق مالکیت، ر.ک.: حسن دلیری، «مقدمه‌ای بر چارچوب مفهومی حقوق مالکیت از منظر اقتصاد»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (گروه مطالعات محیط کسب‌وکار)، شماره مسلسل ۱۲۰۲۵، آبان ۱۳۹۰.

## ۱. حقوق مالکیت چیست؟

حقوق مالکیت مفهومی فرارشته‌ای است و به‌دلیل شمول مفهومی در علوم اقتصادی و حقوق، دارای تعاریف متفاوتی از نگاه حقوقدانان و اقتصاددانان می‌باشد.[۱] معمولاً منظور اقتصاددانان از حقوق مالکیت، حقوق مالکیت خصوصی است که یکی از ویژگی‌های بارز آن داشتن توانایی قانونی به‌منظور بازداشتن دیگران در استفاده از یک کالا یا دارایی می‌باشد. از نگاه کامونز حقوق[۲] مالکیت، حقوق مربوط به کمیابی[۳] بوده و شامل تمام فعالیت‌هایی می‌شود که افراد یا جامعه در انجام یا عدم انجام آن و یا در تملک یک دارایی آزاد می‌باشند (کافمن،[۴] ۲۰۰۳: ۷۳). وی برخلاف اقتصاددانان کلاسیک حقوق مالکیت را از پیش تعیین شده فرض نکرده و نشان می‌دهد که حقوق مالکیت محصول کنش جمعی است. دمستز حقوق مالکیت را ابزاری در اختیار جامعه می‌داند که به افراد در شکل‌دهی انتظارات متقابل، کمک می‌کند. این انتظارات در قالب قوانین، رسوم و سنن یک جامعه بیان می‌شوند (رنانی، ۱۳۸۰: ۳٤۸). به تعبیر دمستز حقوق مالکیت ابزاری است که به فرد کمک می‌کند تا به انتظاراتش در کنش با دیگران، شکلی منطقی دهد. حقوق مالکیت بیان‌کننده حق نفع یا ضرر زدن به خود یا دیگران است و دارنده آن این موقعیت را در جامعه دارد که نسبت به دیگران به شیوه خاصی رفتار کند (رنانی، ۱۳۸۰: ۷۱٦). نورث حقوق مالکیت را حقوق افراد برای بهره‌مندی از منافع کار تحت تملک خود یا بهره‌مندی از منافع کالاها و خدماتی که آنها را تصرف کرده‌اند، تعریف می‌کند (معینی، ۱۳۷۷: ٥٦). از دید اجرسون حقوق مالکیت، حقوق افراد در استفاده از منابع است؛ از نگاه وی دو مفهوم متمایز از حقوق مالکیت وجود دارد: اول حقوق مالکیت اقتصادی[۵] که در آن فرد روی یک کالا یا دارایی، توانایی افراد در مصرف کالا یا خدمات دارایی و به‌طور غیرمستقیم از طریق مبادله تعریف می‌شود. این توانایی شامل حق استفاده از یک دارایی، حق کسب درآمد از یک دارایی و قرارداد با سایر افراد و حق انتقال مالکیت دائم به گروه دیگر است. دوم حقوق مالکیت قانونی[٦] این دسته حقوق مالکیتی است که توسط دولت به رسمیت شناخته شده و اِعمال می‌شود. درواقع حقوق مالکیت قانونی، حقوقی است که از طریق دولت اعطا شده و پشتیبانی برای بهره‌مندی

---

۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به کاول و گروسمن (Cole and Grossman, 2001) که اعتقاد دارند این تفاوت نگرش اقتصاددانان نسبت به حقوقدانان سبب بروز آسیب و نقصان در پاره ای از مطالعات اقتصادی شده است. علاوه بر این ر.ک: یوسفی، محمدقلی (۱۳۸٦)، حقوق مالکیت عامل کلیدی توسعه اقتصادی، اقتصاد و جامعه، سال سوم، شماره یازدهم، صص ۹-٤۱.

۲. در این نوشتار، واژه «حقوق» معادل "Rights" و به معنای جمع حق ادعای قابل اجرای قانونی یک شخص در برابر فرد دیگر است. بدین ترتیب از واژه «حقوق» به‌عنوان معادل "Law" به‌معنای قانون یا رشته حقوق متفاوت است.

3. Rights to Scarcity
4. Kaufman
5 .Economic Property Right
6. Legal Property Right

از حقوق مالکیت اقتصادی است (واندنبرگ،[1] ۱۹۹۹: ۱۱).[2]

در این پژوهش برای تعریف شفاف‌تر حقوق مالکیت و راهکارهای تضمین آن، چارچوبی ارائه داده شده که عدم برقراری حقوق مالکیت را نمایان سازد. به‌عبارت دیگر، هر رخداد اقتصادی ـ سیاسی و اجتماعی که سبب شود فرد قادر به مصرف کالا و خدمات دارایی‌های متعلق به‌خود نباشد، ناقض حقوق مالکیت خواهد بود. علاوه‌بر این، هر رخداد اقتصادی ـ سیاسی و اجتماعی که سبب شود افراد نسبت به توانایی مصرف کالا و خدمات دارایی‌های متعلق به خود در آینده، بدبین شوند نیز می‌تواند ناقض حقوق مالکیت افراد قلمداد شود. بنابراین مفهوم حقوق مالکیت را می‌توان توانایی افراد در بهره‌مندی از منافع کالاها، خدمات و دارایی‌های تحت تملک خود درحال حاضر و همچنین انتظارشان در مورد توانایی بهرمندی از دارایی‌های خود در آینده دانست. بنابراین در این پژوهش وقتی از تضمین حقوق مالکیت سخن به میان می‌آید، به معنای ایجاد چارچوبی در جامعه است که براساس آن اولاً، مالکیت افراد در برابر املاک و خدمات دارایی‌هایشان تضمین شده و توسط سایرین سلب نگردد؛ ثانیاً، در جامعه ساختاری فراهم آید که براساس آن انتظارات آتی افراد نیز در مورد حق مالکیتشان بر دارایی‌ها و اموال به‌گونه‌ای باشد که کمترین بی‌اعتمادی نسبت به نقض مالکیت داشته باشد.[3]

اما متأسفانه با توجه به اهمیت بالایی که تأمین حقوق مالکیت در محیط کسب‌وکار دارد، شاخص‌های موجود نشان می‌دهد که ایران جایگاه مناسبی از لحاظ تأمین حقوق مالکیت در مقایسه با سایر کشورهای دنیا نداشته و بسترهای موجود در جامعه بعضاً ناقض و نافی تأمین حقوق مالکیت فردی و خصوصی هستند؛ با توجه به جدول ۱ که نشانگر نماگرهای حقوق مالکیت در شاخص‌های مختلف جهانی است، می‌توان دریافت که ایران در اغلب موارد کارکرد نامطلوبی در تأمین مالکیت خصوصی دارد.[4] به‌گونه‌ای که در اغلب نماگرها نام ایران در میان کشورهای انتهایی رده‌بندی تأمین امنیت حق مالکیت دیده می‌شود.

---

1. Vandenberg

۲ . این تعریف و تقسیم‌بندی در سایت رونالد کوز (Ronald Coase institute) و همچنین در کتاب ذیل پذیرفته شده است (برگرفته از صمدی و همکاران، ۱۳۸۹):

- Barzel, Y (1997), Economic Analysis of Property Rights, Cambridge: Cambridge University Press.

۳. لازم به یادآوری است که به‌عنوان مثال، نقض حق مالکیت می‌تواند سلب اموال یک فرد در جریان یک قرارداد به‌دلیل فقدان ضمانت‌های اجرایی باشد که در این‌صورت مالکیت نقض می‌شود. اما شاید فرد به‌دلیل آنکه نسبت به نظام حقوقی اعتماد ندارد، اساساً به‌دنبال نقل و انتقال مالکیت و کسب‌وکار نرود؛ در این‌صورت، در عمل، مالکیتش نقض نشده، اما تمایل وی به فعالیت‌های اقتصادی به‌شدت کاهش یافته است. از آنجا که این مورد نیز از بی‌اعتمادی نسبت به تضمین آتی حق مالکیت افراد نشئت گرفته، می‌توان آن را نیز از مصادیق نقض مالکیت تلقی کرد.

٤. در پیوست این نوشتار به اختصار در مورد شاخص‌های فوق توضیحاتی ارائه شده است.

**جدول ۱. نماگرهای حقوق مالکیت جهانی و رتبه ایران در آن**

| نماگر | دامنه | نمره ایران | رتبه ایران | کل نمونه | منبع |
|---|---|---|---|---|---|
| حفاظت از حقوق مالکیت فکری | ۱-۷ | ۲/۹ | ۱۱۲ | ۱۴۴ | شاخص *GCI* ۲۰۱۳-۲۰۱۲ |
| حفاظت از حقوق مالکیت | ۱-۷ | ٤/٦ | ٥٥ | ۱۴۴ | شاخص *GCI* ۲۰۱۳-۲۰۱۲ |
| نماگر کلی تأمین حقوق مالکیت *IPRI* | ۰-۱۰ | ٤/۳ | ۱۰۷ | ۱۳۰ | شاخص حقوق مالکیت *IPRI* ۲۰۱۲ |
| نماگر حقوق مالکیت فیزیکی | ۰-۱۰ | ٥/٥ | ۱۰۱ | ۱۳۰ | شاخص حقوق مالکیت *IPRI* ۲۰۱۲ |
| شاخص حقوق مالکیت فکری | ۰-۱۰ | ۳/۸ | ۱۰۸ | ۱۳۰ | شاخص حقوق مالکیت *IPRI* ۲۰۱۲ |
| حقوق مالکیت | ۰-۱۰۰ | ۱۰ | ١٦٥ | ۱۸۵ | شاخص آزادی اقتصادی هرتیج ۲۰۱۳ |
| عملکرد نظام قضایی و حقوق مالکیت | ۰-۱۰ | ٦/٤ | ٥١ | ۱۴۴ | شاخص آزادی اقتصادی ۲۰۱۲ |

سؤال اینجاست که چه دلایلی سبب این موقعیت ایران در تأمین حقوق مالکیت شده است و چه متغیرهایی بر کیفیت تأمین حقوق مالکیت در جامعه مؤثر است؟ برای پاسخ به این سؤال به‌صورت کلی می‌توان گفت هر آنچه سبب شود حقوق مالکیت در فعل و یا در انتظار افراد از رخداد عملی در آینده، تضعیف گردد، می‌تواند یکی از عوامل محدودکننده حقوق مالکیت باشد. به‌عبارت دیگر علاوه‌بر آنکه زیرپا گذاردن حق یک فرد به‌عنوان نقض آشکار حقوق مالکیت در جامعه است، عدم احیا و آماده‌سازی بسترهای لازم (اعم از نظام قضایی و اقتصادی) برای احقاق حق نیز می‌تواند دلیلی بر نقض حق مالکیت افراد باشد. اما برای تبیین و شناسایی روشن‌تر عوامل مهم بر نقض حقوق مالکیت در کشور لازم است ابتدا به مبانی نظری تأمین و نقض مالکیت پرداخته شود.

## ۲. چگونه حقوق مالکیت (فیزیکی) در جامعه تأمین می‌شود؟

براساس نظریه‌های اقتصاد نهادگرا، چهار راهکار برای حفاظت از حقوق مالکیت در جامعه وجود دارد: اول نگرش مالی و قانونی که بیان می‌کند تفاوت در دیدگاه‌های حقوقی می‌تواند روش‌های متفاوتی از حفاظت از حقوق مالکیت را توضیح داده و از این طریق بر قوت و ضعف جریان تأمین امنیت برای مالکیت مؤثر باشد[۱] (لاپورتا[۲] و همکاران، ۱۹۹۸). دوم؛ نظریه موجودی[۳] که نقش و رخدادهای طبیعی در شکل‌گیری نهادهای اقتصادی و ساختار حقوق مالکیت جامعه را توضیح می‌دهد، به باور طرفداران نظریه مذکور، ساختار جغرافیایی جوامع می‌تواند تأثیر بسزایی در نهادهای اقتصادی شکل گرفته در جامعه گذاشته و از این طریق ساختار حقوق مالکیت در جامعه را

۱. برای مطالعه بیشتر در این مورد مراجعه کنید به صفحه ٦ آیاگاری و همکاران (۲۰۰٦).

2. La porta

3. Endowment

منظور از موجودی در اقتصاد ثروت و دارایی اولیه‌ای است که در دست افراد و جوامع قرار گرفته است، مانند منابع طبیعی که از ابتدا برای یک کشور وجود دارد و به‌عنوان موجودی آن کشور معرفی می‌شود.

معرفی نمایند.[۱] نظریه سوم در مورد ساختار سیاسی بوده و بیان می‌کند که چگونگی توزیع قدرت در جامعه می‌تواند تا حد زیادی بر شکل‌گیری نهادها و از این طریق بر کیفیت تأمین حقوق مالکیت قدرتمندان و ضعفا مؤثر باشد.[۲] برای مثال آنان اعتقاد دارند دولت با دخالت‌های بیشتر در ساختار سیاسی و جانبداری از گروه‌های خاص سبب افزایش ناهمگنی قومی در جامعه خواهد شد. افزایش ناهمگنی و عدم توازن در توزیع قدرت‌های سیاسی موجود در جامعه بر ساختار حقوق مالکیت و چگونگی تأمین آن مؤثر خواهد بود. به‌گونه‌ای که افزایش بی‌تعادلی در توجهات قومی می‌تواند باعث تضعیف حقوق مالکیت در جامعه شود.[۳] آخرین نگرش بر این مورد تأکید می‌کند که دین و نگرش دینی در جامعه می‌تواند تا اندازه زیادی بر شکل‌گیری ساختار حقوق مالکیت مؤثر باشد؛ در این ساختار به تأثیر ادیان مختلف در تشکیل و تأمین حقوق مالکیت به‌عنوان کلیدی‌ترین متغیر برای رشد اقتصادی تأکید دارند.[٤]

بنابراین براساس نظریه‌های موجود می‌توان مشاهده کرد که عوامل فراوانی می‌تواند بر تشکیل ساختار حقوق مالکیت در جامعه مؤثر باشد؛ اما سؤال اینجاست که جامعه در قبال تأمین مالکیت چه رفتاری می‌تواند انجام دهد؟ به‌عبارت دیگر راهبردهای برقراری حقوق مالکیت چیست؟ برای

---

۱. برای مطالعه در مورد موضوعات مربوط به این بخش می‌توانید مراجعه کنید به:

- Engerman and Sokoloff (1997), Factor Endowments, Institutions, and Differential Paths of Growth Among new world Economies. In Haber, S.H. (Ed.), How Latin America Fell Behind, Stanford University Press, Stanford CA, pp. 260-304.
- Acemoglu, Johnson and Robinson (2001), the Colonial Origins of Comparative Development: An Empirical Investigation. American Economic Review 91, 1369-1401.

۲. براساس نگرش نهادگرایان، قدرت‌های اقتصادی در جامعه را می‌توان به‌صورت زیر توضیح داد: دو متغیر کیفیت در مدل، نهادهای سیاسی و توزیع منابع هستند، شناخت این دو متغیر در زمان t کافی است تا بتوانیم سایر متغیرهای سیستم را تعیین کنیم. درحالی که نهادهای سیاسی، قدرت سیاسی رسمی را در اجتماع تعیین می‌کنند، توزیع منابع نیز روی توزیع قدرت سیاسی غیررسمی در زمان t اثر می‌گذارد. این دو منبع قدرت سیاسی، به نوبت رو انتخاب نهادهای اقتصادی و ارزیابی آتی نهادهای سیاسی اثر می‌گذارند. نهادهای اقتصادی پیامدهای اقتصادی همانند نرخ رشد اقتصادی و توزیع منابع در دوره t+1 را تعیین می‌کنند. اگرچه نهادهای اقتصادی عامل اصلی در تعیین پیامدهای اقتصادی می‌باشند، اما آنها خود درونزا بوده و توسط نهادهای سیاسی و توزیع منابع در اجتماع تعیین می‌شوند.

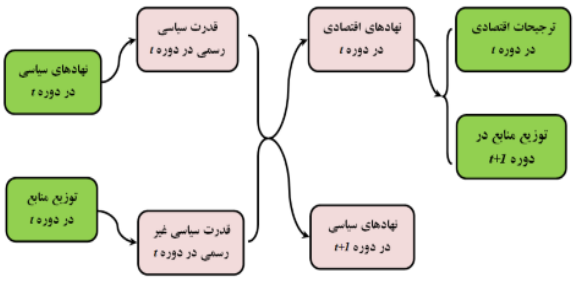


۳. برای مطالعه بیشتر در این مورد می‌توان مراجعه کرد به:

- Easterly and Levine, (1997). Africa's Growth Tragedy: Policies and Ethnic Divisions. Quarterly Journal of Economics 112, 1203-1250.

٤. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

- Stulz and Williamson, (2003). Culture, Openness and Finance. Journal of Finance 70, (3), 313-49.

تبیین این مسئله می‌توان به نگرش‌های کوز و اشلافیر اشاره نمود. نظریه کوز در اقتصاد و حقوق بیان می‌کند که در صورتی‌که هزینه مبادله در اقتصاد اندک باشد، طرفین مبادله با چانه‌زنی قادر خواهند بود تا حقوق مالکیت را تأمین کرده و بدون توجه به تخصیص اولیه‌ای که در اقتصاد وجود داشت، به سمت تخصیص بهینه حرکت کنند. اما اشلافیر دلایلی را مطرح می‌کند که چانه‌زنی نمی‌تواند سبب تخصیص بهینه مالکیت در جامعه شود. وی هزینه‌های مبادله، اطلاعات نامتقارن و نادرست، «سواری مجانی» و عدم قابلیت اجرای قرارداد را از دلایل عدم موفقیت راهکار کوز می‌داند. در نهایت، اشلافیر نتیجه می‌گیرد راهبردهای جایگزین برای برقراری حقوق مالکیت، دستکم به‌عنوان گام اول در اصلاحات ضروری هستند. وی سه راهبرد را به‌عنوان راهبردی جایگزین برای اجرای قرارداد به‌منظور برقراری حقوق مالکیت ذکر می‌کند که عبارتند از:

۱. **چرخش دیوان‌سالاران به سمت سهامداران**: به این‌صورت که سهمی از مؤسسه به دیوان‌سالاران، که در آن حق نظارت و دیده‌بانی دارند، داده شود تا این سهم جایگزین درخواست‌های غیرقانونی (و رشوه‌طلبی‌های) آنان شود و در مؤسسه تولیدی و سود و زیان آن سهیم شوند.[۱]

۲. **اصلاح دیوان‌سالاری، نظام قضایی و دیوان‌سالاری اداری**.

۳. **انتقال حق نظارت و دیده‌بانی از دیوان‌سالاران**: خصوصی‌سازی شکل اصلی این تخصیص مجدد حق نظارت و دیده‌بانی است.

با توجه به دو نظریه گفته شده می‌توان اذعان کرد که برای تأمین حقوق مالکیت علاوه‌بر آنکه به مسئله حقوق باید توجه شود، بر بسیاری از متغیرهای ساختاری دیگر نیز باید توجه ویژه داشت. به‌گونه‌ای که مطالعات نشان از آن دارد که جلوگیری از نقض حقوق مالکیت و تلاش برای تأمین آن در جامعه علاوه‌بر اینکه با ابزارهای قانونی (قواعد حقوقی) قابل حصول است، با قوانین اقتصادی نیز می‌تواند حاصل شود (بارزل،[۲] ۱۹۹۷؛ الیکسون،[۳] ۱۹۹۱). به‌عبارت دیگر برای تأمین حقوق مالکیت در جامعه همیشه لازم نیست که متون قانونی تغییر یابند، بلکه با استفاده از ابزارهای اقتصادی نیز قادر خواهیم بود تا حقوق مالکیت را در جامعه تأمین کنیم. بنابراین برای ارتقای امنیت مالکیت در جامعه باید ملزوماتی وجود داشته باشد: سند[۴] (۱۹۹۷) بیان می‌کند که چهار شرط لازم و کافی وجود دارد تا آنکه حقوق مالکیت ارتقا یابد: نخست، حق باید با ارزش باشد؛ دوم، دارنده حق باید به حق خود علاقمند و متمایل باشد؛ سوم، قانونگذار باید برای اجرای حق تمایل داشته

---

۱. به‌عبارت دیگر در این مورد بر مسئله توازن قدرت اقتصادی اشاره می‌کند که در ادامه در مورد آن بحث خواهیم کرد.

2. Barzel
3. Ellickson
4. Sende

باشد، چهارم: شرایطی برای احترام همه به حق و به رسمیت شناختن آن به‌وجود آید. براساس نظریه سند می‌توان گفت که اگر هریک از این چهار حالت تضعیف شوند، باعث خواهد شد تا تأمین امنیت حقوق مالکیت فردی مورد تردید واقع شود.

بنابراین از آنجا که هرجا که حق وجود داشته باشد، ممکن است نقض حقی صورت گیرد و یا اختلافی رخ دهد؛ بنابراین طبیعی است که در مورد حقوق مالکیت نیز تنازعی پیش آید و در نتیجه نیاز به حل‌وفصل آن پدید آید. بنابراین برای شناسایی حقوق مالکیت و متغیرهای مؤثر بر آن لازم است تا علاوه‌بر کیفیت فرآیند دادرسی، متغیرهای عمده دیگری که تأمین‌کننده شروط لازم و کافی هستند، نیز در نظر گرفته شود. البته باید برای این مفهوم توضیح داد که هرگونه عدم احقاق حق قانونی افراد در مورد مالکیت چه در فعلیت (یعنی نقض حقوق مالکیت در عمل، مثل اینکه فردی زمین همسایه خود را تصرف کند) و چه در عینیت (یعنی ضعف ساختاری در جامعه باعث شود تا زمینه نقض حقوق مالکیت در آینده شکل گیرد؛ برای مثال، افزایش هزینه‌های ثبت قرارداد، حق کسی را نقض نمی‌کند، اما سبب خواهد شد تا افراد تمایل کمتری به ثبت قراردادهای خود داشته باشند، در این‌صورت احتمال آنکه در آینده قراردادی نقض و حقی ضایع شود افزایش خواهد یافت) می‌تواند به نوعی نقض حقوق مالکیت باشد. به‌عبارت دیگر گاهی در عمل متغیرها و رخدادهایی هستند که به روشنی مال فردی به ناحق توسط فرد یا گروهی دیگر تصرف می‌شود که بیانگر نقض حقوق مالکیت در فعل است و در صورت وجود زیرساختار حقوقی مناسب ـ که در ادامه توضیح خواهیم داد ـ شخص متضرر می‌تواند حقش را مطالبه کند، اما در مواردی این عمل در فعل انجام نمی‌شود، به‌گونه‌ای که چون فرد انتظار دارد جامعه و قانون در آینده از حقوق وی به هر دلیلی دفاع نخواهد کرد و احتمال نقض حقوق مالکیتش در آینده وجود دارد، دیگر قرارداد منعقد نمی‌کند و تمایلش به ورود به کسب‌وکار کاهش می‌یابد. اما این واکنش از کمبود و تحدید حقوق مالکیت در جامعه نشئت می‌گیرد، به‌گونه‌ای که فرد دورنمای ذهنی بدی نسبت به تأمین حقوق مالکیتش در آینده دارد، که سبب می‌شود منافع و هزینه‌های انتظاری قرارداد را تحت‌الشعاع قرار داده و از لحاظ عقلانی غیراقتصادی جلوه کند. این عدم انعقاد قرارداد شاید دلیلی بر نقض حقوق مالکیت در فعل نباشد ـ یعنی قابلیت پیگیری حقوقی را ندارد ـ اما از بی‌اعتمادی افراد نشئت می‌گیرد و بی‌اعتمادی افراد نیز از تجمیع اطلاعاتشان نسبت به ساختار قانونی تأمین حقوق مالکیت و زیرساختارهای موجود در گذشته آنان شکل خواهد گرفت.[1] علاوه‌بر این فرد می‌تواند قرارداد را منعقد کند، اما بنا

---

۱. به همین دلیل است که در شاخص "IPRI" علاوه‌بر اینکه حقوق مالکیت در بخش مالکیت فکری و فیزیکی را اندازه‌گیری می‌کنند، محیط حقوقی و سیاسی کشور را نیز در اندازه‌گیری جایگاه تضمین حقوق مالکیت لحاظ می‌نمایند. به‌گونه‌ای که محیط حقوقی و سیاسی مطمئن، سبب خواهد شد بسترهای لازم برای نقض‌های آتی در مالکیت افراد شکل گیرد.

به دلایلی ـ که در ادامه ذکر خواهیم کرد ـ قرارداد غیرمنصفانه باشد. به‌عبارت دیگر شخص مجبور به قبول قرارداد یا ناچار به پذیرش آن شده باشد. در اینجا نیز حق فرد می‌تواند مورد تردید واقع شده و مالکیتش در مورد اموال، تحدید یا تضییع شود.

بنابراین با توجه به موارد گفته شده می‌توان ادعا کرد برای اندازه‌گیری حقوق مالکیت و شناسایی عوامل مؤثر بر محدودیت و نقض این حقوق، علاوه‌بر اینکه باید به عوامل فعلی (به‌معنای نقض حقوق مالکیت در فعل که قابلیت پیگیری قانونی توسط متضرر را داراست) توجه کرد، باید به عوامل انتظاری و بسترساز نیز توجه ویژه داشت. به همین دلیل در ادامه فرآیندی را توضیح خواهیم داد که یک قرارداد در اقتصاد شکل می‌گیرد و در راستای همین فرآیند فرضی، متغیرهایی را که سبب نقض حقوق مالکیت در عمل و یا سبب بی‌اعتمادی از تأمین حقوق مالکیت در آینده می‌شود، شناسایی خواهیم کرد.

## ۳. یک قرارداد چگونه شکل می‌گیرد؟

با توجه به مواردی که به‌صورت خلاصه در بخش قبل معرفی شد، الگوریتم فرضی برای روند اجرای قرارداد را تشکیل خواهیم داد و براساس آن موارد مؤثر بر مالکیت و رفتارهای افراد بر آن را توضیح می‌دهیم. یک قرارداد دوطرفه اقتصادی به‌دنبال آن است که مالکیت (مال یا خدمت) را از فردی به فرد دیگر انتقال دهد؛ ازاین‌رو اگر این انتقال به دور از انصاف باشد و یا خللی در اجرای آن رخ دهد، می‌تواند حقوق مالکیت طرفین قرارداد را مخدوش کند. با توجه به شکل ۱، یک فرد فرضی در جامعه، زمانی در مقابل پیشنهاد به یک قرارداد قرار می‌گیرد در اولین گام باید در این مورد تصمیم بگیرد که قرارداد را منعقد کند یا خیر؟ همان‌گونه که در ادبیات اقتصادی روشن است، متغیرهای فراوانی می‌تواند روی تمایل فرد به انعقاد قرارداد یا عدم انعقاد قرارداد مؤثر باشد، که در اینجا ما روی متغیرهایی که نشانگر تأمین یا نقض مالکیت مؤثر است، تأکید خواهیم داشت. به‌عبارت دیگر با توجه به پیش‌بینی که فرد از این متغیرها دارد، در هر حال یا تصمیم به انعقاد قرارداد خواهد گرفت و یا اینکه اصلاً قرارداد را منعقد نمی‌کند. در اینجا میزان بالاتر تأمین حقوق مالکیت می‌تواند سبب افزایش تمایل افراد به انعقاد قرارداد شود به‌گونه‌ای که افزایش تحدیدات در حقوق مالکیت به‌دلیل آنکه انتظارات افراد را نسبت به آینده خدشه‌دار می‌کند، باعث خواهد شد تا تمایلی به انعقاد قرارداد در آنها دیده نشود. علاوه‌بر این باید موردی را نیز در نظر گرفت که فرد مجبور به انعقاد یک قرارداد شده و یا ناچار به پذیرش آن باشد، در این شرایط قرارداد شکل می‌گیرد؛ اما از آنجا که انصاف در آن رعایت نشده، حق مالکیت یکی از طرفین نقض خواهد شد. بنابراین در موارد مربوط به انعقاد قرارداد باید این مورد را نیز مدنظر قرار دهیم.

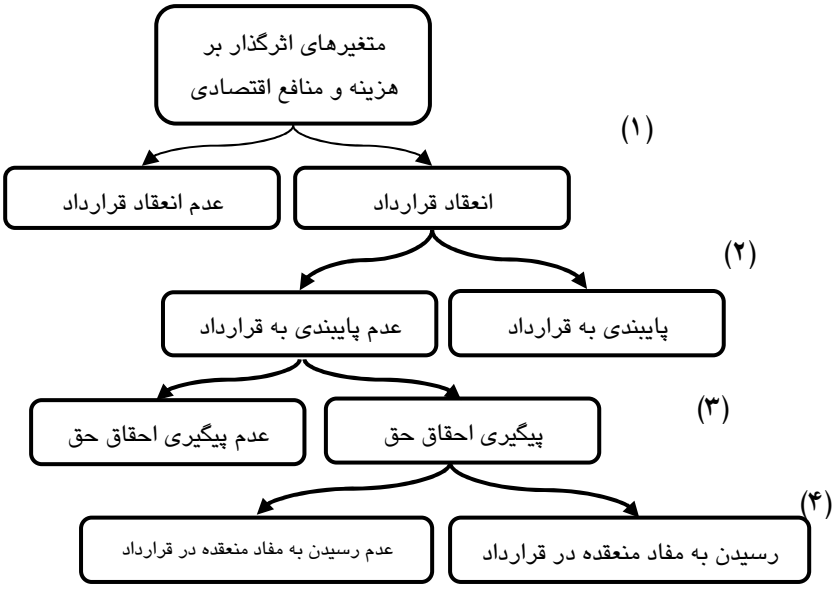


اما گذشته از آنکه قرارداد منعقد شده منصفانه باشد یا خیر، به تبیین گام دوم می‌پردازیم. در گام دوم، فرض بر آن است که فرد با توجه به برآوردش در بخش قبل به قرارداد خوشبین بوده و آن را منعقد کرده است، در اینجا فرد تصمیم خواهد گرفت که آیا به قراردادی که منعقد کرده پایبند باشد یا خیر؟ در صورتی‌که افراد به قرارداد منعقده پایبند باشند، حقوق مالکیت طرفین نیز تضمین می‌شود و هیچ‌گونه نقضی در آن صورت نمی‌پذیرد (البته در صورت منصفانه بودن قرارداد منعقده)، اما در غیر این‌صورت یکی از طرفین قرارداد را نقض کرده و حقوق مالکیت در عمل زیرپا گذاشته می‌شود. اما برای تصمیم‌گیری در این بخش نیز فرد با هزینه فایده اقتصادی تصمیم به تخطی و سرپیچی از مفاد قرارداد می‌کند و عواملی وجود خواهد داشت که باعث می‌شود افراد راحت‌تر بتوانند مفاد قرارداد را زیر پا گذاشته و به نوعی تخطی نمایند. در اینجا نیز متغیرهای فراوانی می‌تواند به عدم پایبندی فرد به قرارداد و تخطی از آن مؤثر باشد که در ادامه در آن مورد بحث خواهیم کرد. اما به هر صورت هر متغیری که سبب شود فرد راحت‌تر قرارداد را زیرپا بگذارد می‌تواند دلیلی بر عدم برقرار شرایط لازم برای تضمین امنیت حقوق مالکیت و به نوعی نقض حق طرفین قرارداد باشد.

در گام سوم فرض بر آن است که یکی از طرفین مبادله از قرارداد منعقده تخطی می‌کند، حال سؤال اینجاست آیا طرف مقابل به‌دنبال احقاق حق خود خواهد رفت یا خیر؟ این سؤال از آنجا مطرح می‌شود که در صورتی فرد به سیستم قضایی جامعه خوشبین باشد و هزینه‌های انتظاری او برای احقاق حقش کم باشد، حتماً به‌دنبال آن رفته و در این‌صورت حق کسی نقض نخواهد شد، در غیر این‌صورت او به‌دنبال احقاق حق نرفته و باز هم مالکیت وی نقض می‌شود. اما در اینجا نقض

مالکیت به‌دلیل ضعف قرارداد نبوده بلکه به‌دلیل هزینه‌های بالای احقاق حقش می‌باشد که باز هم می‌تواند تحدیدکننده حقوق مالکیت یکی از طرفین قرارداد باشد.

در آخرین مرحله افرادی که به‌دنبال پیگیری حق خود رفته‌اند یا به نتایج منعقده در قرارداد خواهند رسید و یا اینکه به‌دلایلی قادر به رسیدن به آن نتایج نیستند، ازاین‌رو در این بخش به این پرسش پاسخ خواهیم داد که چه دلایلی سبب خواهد شد تا افراد نتوانند به مفاد مندرج در قرارداد برسند. به‌عبارت دیگر در بخش قبل از انتظارات افراد سخن می‌گفتیم و در این بخش از نتایج واقعی که افراد در جامعه لمس می‌کنند سخن خواهیم گفت.

بروز هر کدام از موانع در مالکیت در چهار بخش مورد نظر در شکل ۱ می‌تواند سبب عدم اجرای قرارداد، یا اجرای غیرمنصفانه قرارداد و یا کاهش تمایل به کسب‌وکار اقتصادی شود که تمامی آنها از عدم تضمین حقوق مالکیت و یا از عوامل تحدیدکننده آن نشئت می‌گیرند،[۱] به‌عبارت دیگر در تمام موارد بالا یا مالکیت محدود می‌شود و یا اینکه نقض خواهد شد. بنابراین می‌توان با حل بازی به‌صورت استقرای بازگشتی احتمال رخداد هر کدام از پیشامدها را محاسبه نمود. برای بیان روشن‌تر مراحل فوق، در اینجا فرض می‌کنیم افراد به احتمال $(1-\mu)$ می‌توانند در صورت پیگیری قانونی به حقشان برسند و قاعدتاً به احتمال $\mu$ آنان قادر به تضمین شرایط قرارداد در صورت پیگیری دادرسی نخواهند بود. به‌عبارت دیگر براساس نظریه‌های اقتصادی و ساختار نظریه بازی، افراد در صورتی در مرحله سوم به‌دنبال احقاق حق خود خواهند رفت که منافع انتظاری از احقاق حقشان $E_0\{(1-\mu)\pi\}$، از هزینه‌های انتظاری $E_0(c)$ از احقاق حقشان بالاتر باشد. به‌گونه‌ای که $c$ هزینه‌های دادرسی و پیگیری آن است (لازم به‌ذکر است در نگرش اقتصادی این هزینه‌ها به معنای هزینه فرصت بوده و می‌تواند هزینه‌های مالی و هزینه‌های زمانی و بسیاری دیگر از فرصت‌های از دست رفته فرد را دربرگیرد) و $(1-\mu)$ احتمال آن است که در صورت پیگیری دادرسی به حق خود برسد و قانون به‌درستی اجرا گردد $E_0$ نیز نشان‌دهنده انتظارات افراد می‌باشد. بنابراین در مرحله سوم افراد به‌دنبال احقاق حق خود رفته و دادرسی را دنبال می‌کنند اگر شرایط زیر صادق باشد، به‌عبارت دیگر در صورتی به‌دنبال مراحل دادرسی خواهند رفت که منفعت انتظاری حاصل از این رفتارشان، بیشتر از هزینه‌های انتظاری آنان باشد.

$$E_0\{(1-\mu)\pi\} > E_0(c)$$

بنابراین در این بخش هر متغیری که سبب شود فرد به‌دنبال احقاق حق خود نرود و باعث تشدید این موضوع شود که انتظار افراد نسبت به احتمال احقاق حقشان کاهش یابد، نقض‌کننده و محدودکننده

---

۱. لازم به‌ذکر است که عوامل دیگری همچون عوامل اقتصادی و ساختار هزینه ـ فایده حسابداری قرارداد، نیز در انعقاد یا عدم انعقاد آن نقش دارند که به‌دلیل عدم ارتباط با حقوق مالکیت در اینجا اهمیتی نخواهد داشت.

حقوق مالکیت خواهد بود. زیرا در این شرایط قرارداد (که فرض می‌کنیم منصفانه بوده است) اجرایی نمی‌شود و یکی از طرفین به‌راحتی آن را نقض کرده است. به‌عبارت دیگر هر متغیری که $\mu$ را در عمل و یا در انتظار عمومی افراد افزایش دهد، نقض‌کننده و تحدیدکننده حقوق مالکیت خواهد بود.

در مرحله دوم نیز افراد برای اینکه به قرارداد پایبند باشند یا از آن تخطی کنند هزینه‌ها و منافع انتظاری خود را با هم مقایسه خواهند کرد. به‌عبارت دیگر افراد در صورت پایبندی[۱] طرف مقابل و عدم پایبندی خود می‌توانند $2\pi$ به‌دست آورند البته در صورتی که طرف مقابل به‌دنبال پیگیری قانونی نرود یعنی پس از وقوع تخطی، برای طرف مقابل $E_0\{(1-\mu)\pi\} < E_0(c)$ باشد، اما اگر طرف مقابل به‌دنبال احقاق حقش برود یعنی در صورت وقوع تخطی، طرف مقابل تصور کند که $E_0\{(1-\mu)\pi\} > E_0(c)$ نه تنها چیزی عاید فرد متخطی نمی‌شود بلکه توسط قانونگذار به اندازه $\Delta$ جریمه خواهد شد. پس یک فرد در صورتی تخطی می‌کند که:

$$\mathrm{E}(\pi) = \begin{cases} 2\pi & if E_0\{(1-\mu)\pi\} < E_0(c) \\ -\Delta & if\ E_0\{(1-\mu)\pi\} > E_0(c \end{cases} \qquad > 0$$

در این مرحله فرد با توجه به دانسته‌های خود می‌تواند انتظار داشته باشد که در صورت تخطی، طرف مقابلش به احتمال $\varphi$ به‌دنبال احقاق حقش خواهد رفت و به احتمال $1-\varphi$ این کار را نمی‌کند، ازاین‌رو می‌توان منفعت انتظاری فرد در صورت تخطی را به‌صورت زیر نوشت:

$$2\pi(1-\varphi) + \varphi(-\Delta)$$

روشن است که هر متغیری که سبب افزایش این منفعت انتظاری شود، باعث خواهد شد تا افراد تمایل بالاتری به تخطی و یا به‌عبارت دیگر تمایل بالاتری به نقض حقوق مالکیت داشته باشند. به‌عبارت دیگر با کاهش $\varphi$ و همچنین کاهش در $\Delta$ مقدار منفعت انتظاری تخطی زیاد شده و احتمال نقض حقوق مالکیت در جامعه افزایش می‌یابد. ازاین‌رو می‌توان اذعان داشت در جامعه‌ای اگر مقدار $\varphi$ و $\Delta$ کم باشد، آن جامعه از فقدان تضمین حقوق مالکیت رنج می‌برد.

با همین استدلال می‌توان به این سؤال پاسخ داد که یک فرد در مرحله اول چه زمان تمایل به انجام قرارداد داشته و چه زمانی تمایلی به انعقاد آن نخواهند داشت. در اینجا نیز افراد مقدار سود انتظاری‌شان از قرارداد را با هزینه‌های انتظاری خود مقایسه می‌کنند و در صورتی‌که منافع انتظاری‌شان بیش از هزینه‌های انتظاری باشد، قرارداد را تشکیل می‌دهند. فرد در صورت انعقاد قرارداد و اطمینان از پایبندی طرفین به قرارداد می‌تواند به سود $\pi$ برسند. اما در یک فضای نااطمینانی فرد انتظار دارد که طرف مقابلش به احتمال $\vartheta$ تخطی کرده و به قرارداد پایبند نباشد در

---

۱. فرض می‌کنیم هر کدام از طرفین معامله در صورت تخطی به اندازه $2\pi$ به‌دست آورده و در صورتی‌که طرف مقابلشان تخطی کند صفر واحد به‌دست می‌آورند.

این‌صورت فرد زمانی تمایل به انجام قرارداد خواهد داشت که سود انتظاری او مثبت باشد:

$$(1-\vartheta)\pi+\vartheta(\mu(0)+(1-\mu)(\pi-c))\geq 0$$

در این معادله $(1-\vartheta)\pi$ سود انتظاری در حالتی است که احتمال بر آن است طرف مقابل بر قرارداد پایبند باشد. حال آنکه در صورتی‌که طرف مقابل به قرارداد پایبند نباشد، فرد انتظاری بر اخذ مقدار سود نخواهد داشت، باید به‌صورت تلویحی تصمیم بگیرد که در صورت تخطی طرف مقابل به‌دنبال احقاق حق خود خواهد رفت یا خیر؟ که باز هم همچون قبل، زمانی به‌دنبال احقاق حق می‌روند که $E_0\{(1-\mu)\pi\}\geq E_0(c)$ و در این‌صورت او به‌دنبال حقش می‌رود و به حقش هم می‌رسد و منفعتی به اندازه $(\pi-c)$ کسب می‌کند در غیر این‌صورت یعنی اگر برای فرد $E_0\{(1-\mu)\pi\}< E_0(c)$ به‌دنبال احقاق حقشان نمی‌روند و در این‌صورت هیچ عایدی کسب نمی‌کند. در اینجا نیز هر متغیری که سبب شود سود انتظاری فرد کاهش یابد، در این‌صورت فرد تمایل به قرارداد ندارد و به‌عبارت دیگر جامعه برای فرد حقوق مالکیت را تضمین نمی‌کند، در عبارت بالا هرچه $\vartheta$ افزایش یابد سبب تحدید حقوق مالکیت در جامعه خواهد شد. علاوه‌بر این موارد در صورتی‌که بخواهیم مسئله زمان را نیز در این بهینه‌سازی وارد کرده و فرآیند را به‌صورت پویا حل کنیم، نرخ ترجیح زمانی $\beta$ نیز برای طرفین قرارداد مهم خواهد بود، در واقعیت، این نرخ مقداری ذهنی دارد که به موارد متعددی از انتظارات افراد از آینده بستگی خواهد داشت، به دیگر سخن تغییرات ساختارهای موجود در جامعه می‌تواند بر نرخ ترجیح زمانی اثر داشته و به‌واسطه آن قراردادهایی منعقد شده و یا از منعقد نشوند. ازاین‌رو متغیرهایی که بر نرخ ترجیح زمانی مؤثرند می‌توانند بر کیفیت تضمین حقوق مالکیت در جامعه نیز مؤثر باشند.

اما به‌صورت کلی تمام مواردی که بر هر کدام از متغیرهای ساختاری این مدل فرضی اثرگذار باشد، قادر خواهد بود تا بر عدم اجرای قانون چه در عمل و چه به‌صورت انتظاری[۱] اثرگذار باشد. به‌عبارت دیگر متغیرهایی که باعث تغییر هزینه‌های دادرسی شوند (هزینه‌های اقتصادی، زمان و...) متغیرهایی که به میزان اطمینان از سلامت دستگاه قضا $(1-\mu)$ مؤثر است (میزان فساد،

---

۱. مجدداً تأکید می‌کنیم که وقتی فردی زمین را می‌خرد و فرد دومی زمین را از بنا به‌دلایل غیرقانونی از دستش خارج می‌کند، نقض حقوق مالکیت در عمل صورت گرفته است. اما اگر فرد اول انتظار داشته باشد که اگر من زمین را بخرم، حتماً فرد دوم آن را از من به‌صورت غیرقانونی خواهد گرفت، پس بهتر است اصلاً زمین را نخرم؛ هیچ‌گونه نقض قراردادی در عمل رخ نداده است اما به‌واسطه انتظارات بی‌اعتماد فرد اول، اصلاً مبادله‌ای در جامعه شکل نمی‌گیرد و این عدم شکل‌گیری مبادله به‌واسطه فقدان حقوق مالکیت یا ملزومات اجرای آن می‌باشد. بنابراین در هر دو صورت دلایل رخدادهای حاصله ضعف تضمین حقوق مالکیت بوده، اولی در فعل و دومی در انتظار رخداد فعل و در هر دو حال جامعه در تضمین حقوق مالکیت و یا ایجاد انتظار از تضمین آتی حقوق مالکیت ناتوان بوده است. بنابراین علاوه‌بر شناسایی عوامل نقض‌کننده مالکیت باید به عوامل انتظاری حقوق مالکیت که سبب عدم تشکیل قرارداد هم می‌شود نیز تأکید داشت. علاوه‌بر این، احتمال آن را نیز باید در نظر گرفت که چه عواملی می‌توانند سبب انعقاد قرارداد غیرمنصفانه در مرحله اول شود.

نااطمینانی حقوقی، سیاسی، عدم تقارن در قدرت و...) و متغیرهایی که بر پایبندی $(1-\vartheta)$ و عدم پایبندی افراد بر قرارداد مؤثر است (نااطمینانی اقتصادی، شوک‌های اقتصادی، عدم تقارن اطلاعاتی و عدم تقارن قدرت، سلامت و صداقت در قرارداد و...) می‌توانند بر کیفیت تضمین حقوق مالکیت در جامعه مؤثر باشند. ازاین‌رو در این نوشتار به‌دنبال آن خواهیم بود تا به‌صورت نظری متغیرهایی را که روی هرکدام از احتمالات نقض مالکیت و هزینه‌های دادرسی مؤثرند را شناسایی کرده و ارتباطشان را با حقوق مالکیت برشماریم.

## ۴. چه دلایلی سبب محدودیت و نقض حقوق مالکیت می‌شود؟

به‌طور کلی انجام فعالیت‌های اقتصادی نیازمند برآورد هزینه منفعتی است که هر فرد پیش از انجام فعالیت یا به‌صورت ذهنی و یا به‌صورت نظری انجام می‌دهد، در صورتی‌که ارزش انتظاری منافع فعالیت بیش از ارزش انتظاری مضراتش باشد، فعالیت اقتصادی را به انجام خواهد رساند. در مباحث قرارداد نیز هر فعلی که سبب شود تا هزینه‌های انتظاری قرارداد اقتصادی افزایش یابد، سبب خواهد شد تا انگیزه‌های افراد در تخطی از قراردادها و یا عدم انعقاد قرارداد (که همان موانع محدودکننده مالکیت هستند) افزایش یابد. برای ورود به بحث می‌توان موانع تأمین حقوق مالکیت که سبب نقض قرارداد[1] می‌شود را به چهار دسته کلی تقسیم کرد: اول دلایلی که سبب خواهد شد تا قرارداد اقتصادی شکل نگیرد یا به‌صورت ناعادلانه منعقد شود. دوم، دلایلی که سبب می‌شود پس از انعقاد قرارداد، طرفین به آن پایبند نبوده و قرارداد را زیر پا بگذارند و حقوق یکی از طرفین نقض شود. سوم مواردی که سبب کاهش تمایل افراد به پیگیری مفاد قرارداد در صورت تخطی طرف مقابل می‌شود و چهارم مواردی که سبب عدم اجرای درست قانون در جامعه و نقض حقوق مالکیت در عمل خواهد شد. اولین مورد بر انتظارات آتی افراد تأکید دارد، مواردی را مطرح می‌کند که براساس آن افراد به‌دلیل انتظار بی‌اعتماد نسبت به آینده اصلاً قرارداد شکل نمی‌دهند و یا اینکه آن را مستند نمی‌کنند. موارد دوم، سوم و چهارم به نقض حقوق مالکیت در عمل اشاره دارد، به‌گونه‌ای که این نقض می‌تواند به‌دلایل مختلفی بروز کند که در ادامه در هر مورد توضیح داده خواهد شد.

### ۴-۱. مواردی که سبب عدم تشکیل قرارداد می‌شود

بخش حاضر از این واقعیت نشئت می‌گیرد که افزایش تأمین حقوق مالکیت و کاهش تهدیدها و

---

۱. در قوانین ایران تعریفی از قرارداد ارائه نشده است؛ ولی در قانون مدنی به تعریف عقد پرداخته که مفهوم آن با قرارداد یکی است. ماده قانون مدنی در این زمینه مقرر می‌دارد: «عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد».

اسباب تضییع سبب خواهد شد تا هزینه‌های انتظاری فعالیت اقتصادی کاهش یابد.[۱] به‌عبارت دیگر با تأمین حقوق مالکیت، ریسک فعالیت اقتصادی کم شده و از این طریق منفعت خالص آن افزایش می‌یابد. بنابراین در این شرایط بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی به فعلیت رسیده و قراردادها شکل می‌گیرند. در این بخش هر متغیری که سبب شود تا انتظار از تأمین امنیت حقوق مالکیت در آینده تضعیف شود، باعث خواهد شد تا قرارداد شکل نگرفته و اقتصاد به سمت رکود و انحطاط پیش رود. علاوه‌بر این دسته‌ای از متغیرها هم وجود دارند که سبب خواهند شد تا قراردادهای ناعادلانه شکل گرفته و تا اندازه‌ای حقوق طرفین را زیر پا گذارند، که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره خواهیم کرد.

### ۱-۱-۴. هزینه مبادله

در دنیای اقتصاد نئوکلاسیک هزینه مبادله صفر است، درحالی که در دنیای واقعی هزینه مبادله وجود داشته و صفر نیست. بنابراین برای تحلیل اقتصاد براساس نگرش‌های نئوکلاسیک باید بیشتر تأمل کرد. به‌عنوان یک نتیجه، فاروبون و ریچتر[۲] (۲۰۰۰) حتی توصیه می‌کنند که در شرایطی که در دنیای قضایی واقعی اصطکاک در دادرسی وجود دارد، نمی‌توان با اقتصاد نئوکلاسیک دنیای اقتصادی را تحلیل کرد. براساس همین منطق است که تمام اهمیت مطالعه حقوق مالکیت در دنیای امروز از آنجا نشئت می‌گیرد که هزینه مبادله بزرگ‌تر از صفر است و در این شرایط قیمت‌ها به‌صورت لحظه‌ای تعدیل نشده و چسبندگی[۳] در اقتصاد وجود خواهد داشت.[٤] چیونگ[٥] اعتقاد دارد که انتخاب هر قراردادی در چارچوب جامعه به هزینه‌های مبادله آن بستگی دارد (چیونگ، ۱۹٦۹: ۲۳؛ ۱۹۸۳: ۵۳). به همین دلیل بسیاری از نظریه‌پردازان اقتصاد حقوق مالکیت، هزینه‌های مبادله را در بخش‌های مختلف همچون: هزینه‌های مکان‌یابی و جذب طرف تجاری، هزینه‌های عقد قرارداد و اجرای آن، هزینه‌های نظارت و اعمال آن دسته‌بندی می‌کنند (کلاس،[٦] ۲۰۰۸: ۳٦٤).[۷]

---

۱. مقالات و کتب فراوانی در حوزه تأثیر حقوق مالکیت بر متغیرهای عمده اقتصادی همچون تشکیل سرمایه، تجارت، شاخص های توسعه وجود دارد، که از ورود به جزئیات آن در اینجا خودداری می‌کنیم. تنها به این فرض تأکید می‌نماییم که تضمین حقوق مالکیت می‌تواند موجب افزایش و بهبود شاخص‌های اقتصادی در سطوح خرد و کلان شود.

2. Furubotn and Richter

۳. منظور از چسبندگی، شرایطی است که در آن با تغییرات عرضه و تقاضا، قیمت‌ها به آسانی تغییر نمی‌کنند و به‌دلایل زیرساختی هرگونه تغییر قیمت بسیار به‌کندی اتفاق می‌افتد. به‌عبارت دیگر در صورتی‌که تغییراتی در چارچوب تعادل اقتصاد رخ دهد که سبب شود قیمت‌های بهینه تغییر کنند، بنگاه‌ها و عرضه‌کنندگان کالا، در کوتاه‌مدت به‌دلایلی همچون هزینه فهرست "menu cost"، قادر به تعدیل قیمت نیستند.

٤. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به بارزل (Barzel)، ۱۹۸۹.

5. Cheung

6. Klaes

۷. برای مطالعه بیشتر در مورد تعاریف و مفاهیم هزینه مبادله ر.ک.: رضا وفایی‌یگانه، «تحلیل هزینه مبادله در اقتصاد ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (گروه مطالعات محیط کسب‌وکار)، شماره مسلسل ۱۲۰٦٤، پاییز ۱۳۹۰، ص ۵.

بنابراین یکی از مهمترین متغیرهایی که بر حقوق مالکیت و تأمین آن اثرگذار است، میزان هزینه مبادله در جامعه است. به‌گونه‌ای که مقدار هزینه مبادله می‌تواند بر تصمیم‌های بهینه اقتصادی مؤثر بوده و مقدار مثبت هزینه مبادله می‌تواند تا حد زیادی درجه مالکیت را در جامعه مشخص کند (بنهام و بنهام،[1] ۱۹۹۷). وجود هزینه مبادله و بالا بودن آن می‌تواند هزینه‌های ورود و خروج به بازار و انجام مبادلات را افزایش داده و از این طریق بر تصمیمات افراد مؤثر باشد (آدامز و دیگران،[2] ۲۰۰۱). برای مثال والترز[3] (۱۹۸۳: ٤۳) بیان می‌کند که برای انتقال زمین و توزیع آن در مناطق فقیر شهری، هزینه مبادله بالا می‌تواند باعث تخصیص نامناسب منابع شده و در ادامه سبب خواهد شد تا آثار مخربی بر حقوق مالکیت افراد وارد شود.

نظریه علم اقتصاد نشان می‌دهد در دنیایی با هزینه مبادله صفر، بازتوزیع ثروت در جامعه به وسیله راه‌حل‌های اقتصادی (نظیر مالیات) کارآمد است؛ اما در شرایطی که هزینه مبادله در جامعه بزرگ‌تر از صفر باشد، بهترین و کارآمدترین روش برای بازتوزیع ثروت، تعدیل ساختار حقوق مالکیت است. هرچند در این شرایط، هزینه کارآیی باید در جامعه لحاظ شود (کوتر و یولن، ۱۳۸۸: ۱٤۷). به‌عبارت دیگر زمانی که مقدار هزینه مبادله در جامعه بالا باشد، ساختار حقوق مالکیت اهمیت بیشتری می‌یابد و در این شرایط نوع تعیین حقوق مالکیت آثار مؤثرتری بر توزیع و تولید ثروت خواهد داشت (موسوله،[4] ۲۰۰۹: ۵۹).

«قضیه کوز» در اقتصاد نشان می‌دهد که حقوق می‌تواند با پایین آوردن هزینه مبادله، چانه‌زنی را تشویق کند. در صورتی‌که هزینه مبادله از مازاد اقتصادی انتظاری برای افراد بالاتر باشد، منفعت خالص انتظاری ناشی از مبادله منفی می‌شود؛ بنابراین یکی از طرفین مبادله متضرر خواهند شد. در این شرایط فرد عقلایی در اقتصاد هیچ‌گاه وارد مبادله نمی‌شود (کوتر و یولن، ۱۳۸۸: ۱۲۵). پایین آوردن هزینه مبادله چانه‌زنی را تسهیل می‌کند و یکی از مهمترین اهداف قانون، تسهیل چانه‌زنی افراد از طریق کاهش هزینه مبادله است، یکی از ساده‌ترین روش‌های تحقق آن، تضمین حقوق مالکیت خواهد بود. بنابراین زمانی که حقوق مالکیت شفاف‌تر باشد، چانه‌زنی آسان‌تر خواهد بود. قضیه هنجاری کوز بیان می‌کند که قانون باید به‌گونه‌ای ساختاربندی شود که موانعی برای توافقات خصوصی وجود نداشته باشد (کوتر و یولن، ۱۳۸۸: ۱۲٦). بنابراین می‌توان اعتقاد داشت در صورتی‌که هزینه مبادله بسیار بالا باشد، حقوق مالکیت محدود شده و به صفر می‌رسد. برعکس می‌توان گفت زمانی که حقوق مالکیت در جامعه، به‌طور کامل رعایت شود دو امکان وجود خواهد داشت: یا هزینه مبادله در جامعه صفر است و یا اینکه هزینه‌های موجود می‌تواند به‌خوبی باعث

1. Benham
2. Adams et al.
3. Walters'
4. Musole

تأمین مالکیت شده و آن را تضمین کند، به‌گونه‌ای که منافع حاصل از این تضمین مالکیت، بالاتر از هزینه‌هایی باشد که برای مبادله صرف می‌شود (آلن،[1] ۱۹۹۹: ۸۹۹). مطالعات اقتصاد ایران نشانگر آن است که هزینه مبادله در اقتصاد ایران بالا بوده [2] و این مسئله یکی از مهمترین دلایل رکود در کسب‌وکار است.[3] به‌صورت خلاصه می‌توان گفت سه نوع عدم کارآیی ناشی از هزینه مبادله در جامعه می‌تواند بروز کند:

**الف) پیامدهای خارجی**

حقوق مالکیت بیانگر آن است که چگونه افراد می‌توانند منتفع یا متضرر شوند و بنابراین چه کسی باید بپردازد تا فعالیت‌هایی که افراد انجام می‌دهند، اصلاح و تعدیل شود. تشخیص این مسئله ما را به ارتباط نزدیک میان حقوق مالکیت و پیامدهای خارجی هدایت می‌کند. تا جایی که نخستین کارکرد حقوق مالکیت این است که انگیزه‌ها را به‌سوی دستیابی به درونی کردن[4] بیشتری از آثار خارجی هدایت می‌کند. هر هزینه و منفعتی که مربوط به وابستگی‌های متقابل اجتماعی باشد، به‌طور بالقوه یک اثر خارجی است. وجود هزینه اجتماعی بالا مانع از آن خواهد شد که افراد در مذاکراتی که بر آنها تأثیر می‌گذارد شرکت کنند. این هزینه‌های اجتماعی سبب خواهد شد تا نفع شخصی افراد مانع از کارآیی اجتماعی شود. اگرچه قراردادها اغلب اثرات خارجی دارند، اما روش حقوقی جبران خسارت، به‌ندرت شامل حقوق قراردادهاست. حقوق قراردادها براساس این فرض پیش می‌رود که سایر شعبات حقوق از شخص ثالث حمایت خواهند کرد. به‌جای اقامه دعوی برای جبران خسارت به‌موجب حقوق قراردادها، اشخاص ثالث معمولاً می‌بایست به‌موجب حقوق شبه‌جرم، اموال، جرائم، یا مقررات به جستجوی خسارت بپردازند (کوتر و یولن، ۱۳۸۸: ۲۹٤).[5] بنابراین وجود پیامدهای خارجی می‌تواند چه در انجام قرارداد و چه در پایبندی بر آن مؤثر باشند. به‌گونه‌ای که وجود پیامدهای خارجی منفی سبب اثرات مهمی بر میزان هزینه‌های انتظاری شده و از این طریق انعقاد و

---

1. Allen

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک.: وفایی‌یگانه، پیشین، ص ۱۹.

۳. صلمتی و جنتی (۱۳۸۳) در مقاله خود به این نتیجه رسیدند که وجود هزینه مبادله یکی از دلایل ایجاد تورم رکودی در اقتصاد ایران است. آنان بر این باورند که هزینه مبادله در ایران سبب شده تا به‌صورت همزمان تورم و بیکاری افزایش یابند. برای مطالعه بیشتر، ر. ک.:

ـ مجید صامتی و ابوالفضل جنتی (۱۳۸۳)، «بررسی نقش هزینه مبادله بر تورم رکودی در ایران»، جستارهای اقتصادی، شماره ۱، صص ۱۲٦-۹۵.

٤. منظور از درونی کردن آثار خارجی این است که نظام و ساختار حقوقی، راهکاری را طراحی کند تا اثرات و پیامدهای خارجی که تا پیش از این به جامعه تحمیل می‌شد، بر عامل اصلی این اثرات وارد شود. برای مثال کارخانه آلوده‌کننده هوا، موظف شود تا هزینه‌ای به سازمان محیط زیست و شهرداری بابت ایجاد فضای سبز بدهد.

۵. برای مثال یک قرارداد خرید کالا از یک کارخانه آلوده‌کننده سبب آلودگی‌های بیشتر می‌شود، اما متضرر از آلودگی نمی‌تواند به‌موجب حقوق قراردادها اقامه دعوا کند. یا اینکه در صورت احداث کارخانه سیمان در کنار یک مزرعه زراعی، کشاورز به سختی قادر به احقاق حق از دست رفته خود می‌باشد.

انجام قرارداد را با چالش مواجه می‌کند. بروز این پیامدها پس از انجام قرارداد نیز می‌تواند با افزایش هزینه‌های پیش‌بینی نشده طرفین، سبب شود تا تمایل به نقض قرارداد را در آنها افزایش دهد.[۱] یکی از مهمترین کارکردهای حقوق مالکیت آن است که انگیزه‌ها را به‌سوی دستیابی به درونی کردن اثرات خارجی سوق دهد. اگر اثر خارجی وجود داشته باشد برخی از هزینه‌ها و منافع توسط استفاده‌کننده منابع به‌حساب نمی‌آید؛ اما با مجاز شمردن مبادله، درجه درونی کردن[۲] افزایش می‌یابد.

بنابراین به‌صورت خلاصه در این بخش می‌توان گفت که وجود پیامدهای خارجی در جامعه زیربنای نقض حقوق مالکیت را فراهم می‌آورد، حال اگر ساختار اقتصادی و حقوقی جامعه به تصمیم‌های بهینه بتواند این هزینه‌های خارجی را درونی کند، در این‌صورت از نقض مالکیت جلوگیری می‌شود؛ در غیر این‌صورت یکی از مهمترین بخش‌هایی که در آن مالکیت تحدید و نقض خواهد شد، وجود پیامدهای خارجی است.[۳]

**ب) اطلاعات نامتقارن**

گاهی یک طرف یا تعداد بیشتری از طرف‌های قرارداد فاقد اطلاعات اساسی در مورد قرارداد هستند. فقدان اطلاعات می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. گاهی افراد اطلاعات دروغین را ارائه می‌دهند یا اینکه اطلاعاتی را مخفی نگه می‌دارند تا در مبادله مزیت به‌دست آورند. گاهی افراد از انتقال اطلاعات به‌منظور صرفه‌جویی در هزینه‌های ارتباط خودداری می‌کنند. وقتی واقعیت‌ها منتقل

---

۱. برای مثال فرض کنید یک کارخانه سیمان در کنار زمین کشاورزی تأسیس می‌شود، در این‌صورت آسیب‌های جدی به کشاورز وارد می‌آید و حقوقش در عمل مورد نقض قرار می‌گیرد، در صورتی‌که حقوق مالکیت حاکم در جامعه قادر به حل منصفانه این مشکل نباشد، مالکیت تحدید خواهد شد. علاوه‌بر این کشاورز برای فروش زمین خود نیز با مشکل مواجه می‌شود، به‌گونه‌ای که خریداران به‌دلیل بی‌اعتمادی از تضمین مالکیتشان توسط صاحب کارخانه، تمایلی به خرید زمین کشاورزی نخواهند داشت، در این‌صورت مالکیت نقض نشده، اما قراردادی به‌دلیل انتظارات منفی نسبت به نقض آتی حقوق مالکیت منعقد نشده است.

۲. منظور از درونی کردن، آن است که بخش‌هایی از پیامدهای خارجی منفی کار سبب می‌شود بار هزینه‌های عوامل خاص بر دوش سایرین بیافتد، با انجام تمهیداتی به صاحبان اصلی آن تحمیل شود. فرض کنید کارخانه سیمان به‌دلیل آلودگی‌های زیست‌محیطی که از تولیداتش به‌بار می‌آید بر همسایگانش زیان می‌رساند، حال آنکه ارزش این زیان‌ها را به همسایگانش پرداخت نمی‌کند. اگر قانون با ایجاد شرایطی هزینه‌های آلودگی را از تولیدکننده سیمان گرفته و آن را به همسایگانش تخصیص دهد، پیامدهای خارجی منفی در سیستم اقتصاد درونی خواهد شد.

۳. در اینجا نیز می‌توان مباحث مهم و تخصصی در مورد ساختار حقوقی تضمین حقوق مالکیت در این بخش نیز ارائه کرد. برای مثال در حقوق اموال، پیامدهای خارجی مضر، مزاحمت نامیده می‌شود و روش‌های جبران مزاحمت در حقوق به دو بخش اصلی جبران خسارت و قرار منع تقسیم می‌شود. در اغلب موارد دادگاه به‌دلیل آنکه محاسبه میزان خسارت سخت و هزینه‌بر است تمایل دارد تا اغلب قرار منع صادر نماید و از آنجا که قرار منع باعث تعطیلی پیامد خارجی شده و کارآیی اجتماعی را بعضاً کاهش می‌دهد، دو طرف تمایل خواهند داشت تا با چانه‌زنی به سمت جبران خسارت منصفانه پیش روند. در تمام این مراحل می‌توان ساختار حقوق مالکیت را سنجید؛ مثلاً براساس منطق تضمین حقوق مالکیت اگر خسارت تعیین شود برای طرفین سودمندتر است یا اینکه قرار منع؟ اینکه مقدار خسارت چقدر باشد؟ و جریان مسئله انصاف در چانه‌زنی و... . به‌دلیل طولانی بودن ساختار حاضر، از توضیح این بخش در پژوهش حاضر خودداری می‌شود و تنها به توضیح این نکته اکتفا می‌کنیم که ساختار اقتصادی و حقوقی جامعه باید راهکاری مناسب برای درونی کردن پیامدهای خارجی داشته باشد تا از این طریق بتواند مانع نقض حقوق مالکیت در جامعه شود.

می‌شود، دریافت‌کننده ممکن است آن را درک نکند. به‌صورت کلی وقتی هزینه تحصیل اطلاعات از منفعت آن بالاتر رود، عدم آگاهی امری عقلایی خواهد بود. تبادل اطلاعات بین طرفین قرارداد نقش مهمی در ترویج التزام و همکاری بین آنان دارد. بنابراین یکی از موارد دیگری که می‌تواند سبب نقض حقوق مالکیت شود عدم تقارن اطلاعاتی در افراد است.[۱] برای مثال یک فرد می‌تواند از عدم اطلاع طرف مقابل استفاده کرده و حق او را در معامله تضییع نماید. عدم وجود اطلاعات کامل از آینده و بعضاً نااطمینانی در اطلاعات مربوط به کالا می‌تواند سبب عدم انعقاد قرارداد و یا انعقاد قراردادی ناعادلانه در جامعه شود که خود زمینه تخطی از آن را فراهم خواهد آورد. آکرلوف (۱۹۷۰) نشان می‌دهد که چگونه بنیاد مبادله و بازار، هنگامی که اطلاعات به‌صورت نامتقارن بین خریدار و فروشنده توزیع شده باشد، فرو ریخته و دچار مشکل می‌شود. هنگامی که یک طرف معامله (خریدار) به‌جای دانستن کیفیت تک‌تک کالاها، فقط توزیع احتمال کیفیت آنها را داشته باشد، در این‌صورت شکل‌گیری مبادله به‌صورتی که در مباحث کلاسیک اقتصاد با فرض اطلاعات کامل انجام می‌شود، نخواهد بود. در این شرایط خریداران برمبنای انتظاری که از توزیع احتمال کیفیت کالاها دارند، قیمت متوسطی را به فروشندگان پیشنهاد خواهند کرد. این متوسط قیمت ممکن است کمتر از حداقل قیمت درخواستی فروشندگان کالای با کیفیت بالا برای ارائه کالای خود و بالاتر از حداقل قیمت درخواستی فروشندگان کالای با کیفیت پایین باشد. در نتیجه کالاهای با کیفیت بالا به بازار عرضه نشده و تنها کالاهای با کیفیت پایین مورد مبادله قرار می‌گیرند. در این‌صورت بیان می‌شود که کالای بد کالای خوب را از بازار خارج می‌کند. بروز چنین پدیده‌ای در اقتصاد، «انتخاب نامساعد»[۲] نامگذاری شده است.

بنابراین در بخش مربوط به اطلاعات، علاوه‌بر آنکه صحت اطلاعات برای مبادله اهمیت دارد و می‌تواند سبب کیفیت تأمین حقوق مالکیت شود، ساختار پراکندگی اطلاعات در جامعه نیز نقش بسزایی در این امر خواهد داشت. برای مثال افرادی که در سطوح کلان از قوانین و نظام قضایی اطلاعات بیشتری دارند و یا با توجه به رانت‌هایی که از آن برخوردارند، قادر خواهند بود تا از رخدادهای انتظاری آینده زودتر باخبر شده و بنابراین دارای مزیت اطلاعاتی بوده و این طریق می‌توانند زیربناهای لازم برای تضییع حقوق مالکیت را فراهم آورند.

**ج) انحصار**

بازارهای رقابتی دربردارنده فروشندگان و خریداران فراوان می‌باشند؛ به‌صورتی که هر فرد شرکای تجاری مختلفی دارد. در مقابل، انحصار چندجانبه شرکای موجود را به تعدادی کمی

---

۱. این مباحث در اقتصاد اطلاعات به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد که از بیان جزئی آنها در اینجا خودداری می‌کنیم.

2. Adverse Selection

محدود می‌کند و انحصار کامل شرکای تجاری موجود را به یک فروشنده تقلیل می‌دهد. وقتی که شرکای تجاری محدود می‌شود، چانه‌زنی می‌تواند به‌شدت یک‌جانبه شود، به‌عبارت دیگر در این شرایط یک طرف مبادله این امکان وجود دارد که تمام منفعت حاصل از مبادله را از آن خود نماید (کوتر و یولن، ۱۳۸۸: ۲۹۸). افزایش انحصار در جامعه در هر کدام از بخش‌ها احتمال نقض حقوق مالکیت را افزایش خواهد داد. انحصار می‌تواند در بخش‌های مختلفی مورد بحث قرار گیرد، چه انحصار قدرت، چه انحصار صنعتی و... . به‌عبارت دیگر در این بخش نیز می‌توان گفت هرگونه عدم تقارن در قدرت (چه در صنعت و چه در حوزه اقتصاد و سیاست) قادر خواهد بود تا احتمال عدم تأمین حقوق مالکیت ـ در این بخش عدم برقراری قرارداد ـ را افزایش دهد. بنابراین در این بخش، افزایش انحصار در هر مفهومی می‌تواند تمایل به انعقاد قرارداد را به‌دلیل افزایش هزینه‌های انتظاری آن کاهش دهد. عدم تقارن قدرت می‌تواند با افزایش هزینه‌های انتظاری قرارداد، سبب عدم برقراری قرارداد و انجام فعالیت اقتصادی شده یا باعث بروز قراردادهای یک‌طرفه شود.

مطالعات تجربی نیز نشان می‌دهد که بالا بودن درجه انحصار در مالکیت و همچنین مالکیت بالای دولت بر دارایی‌ها، سبب افزایش احتمال عدم امنیت حقوق مالکیت خصوصی در جامعه خواهد شد.[۱] در مطالعات تجربی نیز چه و کیان[۲] (۱۹۹۷) نشان می‌دهند که افزایش مالکیت دولت بر بنگاه‌ها در جامعه می‌تواند سبب کاهش امنیت در تأمین حقوق مالکیت جامعه شود.

**۲-۱-۴. نااطمینانی و ریسک**

از نظر کوپمن، نااطمینانی به دو صورت است: یکی مربوط به نامعلوم بودن شرایط است که به‌طور معمول از رفتار تصادفی طبیعت و تغییرات غیرقابل پیش‌بینی در ترجیحات مصرف‌کننده ناشی می‌شود. این عوامل اغلب برون‌زا هستند و مواردی چون ادوار تجاری سریع، عدم اطمینان‌های فناورانه، نوسانات و شکست‌های قیمتی، مرگ‌ومیر، خطاهای افراد و... را شامل می‌شوند. عدم اطمینان دیگر، از نبود ارتباطات نشئت می‌گیرد. به این معنا که تصمیم‌گیرنده هیچ راهی برای آگاهی از تصمیمات و برنامه‌هایی که به‌صورت همزمان توسط دیگران اتخاذ می‌شود، ندارد.[۳] اما مطالعات نظریه حکایت از آن دارد که حقوق مالکیت و نااطمینانی ارتباط نزدیکی با هم دارند. جاف و لوزیوتیز[۴] (۱۹۹۶) نشان می‌دهند که تأمین حقوق مالکیت خصوصی در جامعه سبب خواهد شد تا نااطمینانی برای دارایی‌ها کاهش یابد؛ برعکس در صورتی‌که نااطمینانی و ریسک در جامعه پایین

---

۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

- Jiahua Che & Yingyi Qian, (1998). "Insecure Property Rights and Government Ownership of Firms," The Quarterly Journal of Economics, MIT Press, vol. 113(2), pages 467-496, May.

2. Che and Qian

۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک. وفایی‌یگانه، پیشین ص ٤.

4. Jaffe and Louziotis

باشد، می‌توان به برقراری بالاتر امنیت در حقوق مالکیت اعتماد داشت.[۱] به‌عبارت دیگر در اقتصادی که نااطمینانی و ریسک بالاست، دخالت‌های سیاسی، رشوه‌خواری و فساد در نظام اقتصادی و قضایی می‌تواند عادی باشد. در دنیای پرریسک و نااطمینان، سرمایه‌گذاران و صاحبان قدرت برای دور زدن قانون اقدام به پرداخت رشوه و زیرپاگذاشتن قانون خواهند کرد (موسوله، ۲۰۰۹:۶۱). علاوه‌بر این نااطمینانی از آینده می‌تواند تأثیر بسزایی بر هزینه مبادله داشته باشد. زمانی که در مورد هزینه‌های آتی نااطمینانی بالاتری وجود داشته باشد و یا اینکه طرفین مبادله تعداد زیادی از افراد باشند، هزینه مبادله و احتمال نقض حقوق مالکیت در جامعه بالاتر خواهد بود (بایلی،[۲] ۲۰۰۱).

بنابراین بجز موارد مطرح شده در بخش هزینه مبادله، می‌توان به یکی از مهمترین متغیرهایی که به انجام قرارداد و پایبندی به آن تأکید دارد اشاره کرد. همان‌گونه که پیش از این توضیح داده شد، برای انجام قرارداد، هزینه منفعت اقتصادی حکم بر انعقاد یا عدم انعقاد قرارداد خواهد کرد. در این میان هر رخدادی که سبب افزایش ریسک و احتمال بروز هزینه‌ها در فرآیند فعالیت‌های اقتصادی شود می‌تواند باعث عدم برقراری قرارداد گردد. البته این ریسک می‌تواند ناشی از عدم تأمین حقوق مالکیت افراد باشد؛ به‌عبارت دیگر افراد بنابر دلایلی که در ادامه ذکر می‌شود نسبت به تأمین حقوق مالکیت خود در آینده نااطمینانی بالایی را احساس می‌کنند درواقع با توجه به شرایط اقتصادی اجتماعی موجود در جامعه، آنان انتظار دارند که به احتمال بالاتری حقشان در قرارداد نقض می‌شود. این عوامل محیطی را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم کرد:

**الف) شرایط اقتصادی**

مطالعات اقتصادی نشان می‌دهد که با افزایش در امنیت حقوق مالکیت در جامعه، نرخ رجحان زمانی افراد کاهش خواهد یافت. روشن است که رجحان‌های زمانی از آنجایی که متغیری ذهنی هستند، می‌تواند در میان افراد مختلف متفاوت از هم باشد، به‌عبارت دیگر از آنجا که سطح امنیت حقوق مالکیت برای یک فرد خاص می‌تواند متفاوت از سایر افراد در همان جامعه باشد. رجحان زمانی پایین‌تر، عموماً با توان پیش‌بینی بالاتر در محیط خارجی همراه است. در این میان ایجاد شرایط نااطمینان از آینده اقتصاد می‌تواند رجحان زمانی افراد را تغییر دهد. تغییر در رجحان زمانی افراد می‌تواند سبب تأثیرات بسزایی در تصمیم‌گیری‌های مطرح شده در بخش چهارم و فرآیند توضیح داده شده در شکل ۱ شود. به‌عبارت دیگر می‌توان نتیجه گرفت که شرایط اقتصادی جامعه و نوع

---

۱. برای مطالعه بیشتر در این باره، ر.ک.:

- Friend, J., & Hickling, A. (1987). Planning under pressure: The Strategic Choice Approach. New York: Pergamon Press.
- Hopkins, L. D. (1981). The Decision to plan: Planning Activities as Public Goods. In W.R. Lierop & P. Nikamp, (Eds.). Urban Infrastructure, Location and Housing. Alphen aan den Rijn: Sijthoff and Noordhoff.

2. Bailey

پیش‌بینی فعالان اقتصادی از آن می‌تواند اثرات مهمی بر انعقاد قرارداد یا عدم انعقادش بگذارد.[۱] برای مثال افزایش احتمال بروز شوک‌های پیش‌بینی نشده در متغیرهای اقتصادی همچون تورم، ارزش پول، رشد اقتصادی و... می‌تواند اثرات قابل توجهی در نحوه انعقاد قراردادها و هزینه و منافع اقتصادی آنها داشته باشد. بنابراین با افزایش احتمال بروز شوک‌های منفی و افزایش نااطمینانی از آینده، تمایل به انعقاد قرارداد کاسته خواهد شد.[۲]

**ب) شرایط حقوقی**

وقتی مبادله‌ای در بازار انجام می‌شود، دو بسته از حقوق مالکیت ردوبدل می‌شود: یک بسته از حقوق اغلب منظم به یک کالای فیزیکی یا خدمت است، اما این کیفیت حقوق است که ارزش آن چیزی را که مبادله می‌شود تعیین می‌کند (دمستز، ۱۹٦۷). ازاین‌رو در جریان این انتقال شرایط حقوقی موجود در کشور می‌تواند آثار مهمی بر ساختار و کیفیت حقوق مالکیت در جامعه داشته باشد. بنابراین نااطمینانی و عدم اطلاع از شرایط و قوانین حقوقی نیز قادر خواهد بود تا بر شرایط قراردادهای اقتصادی مؤثر باشد؛ به‌گونه‌ای که افزایش نااطمینانی سبب خواهد شد فعالین اقتصادی یا تمایلی به فعالیت و انعقاد قرارداد نداشته باشند و یا اینکه هزینه‌های انتظاری‌شان برای آینده افزایش یابد، که این مورد قادر خواهد بود تا آثار مهمی بر قراردادها بگذارد. برای مثال در این بخش برای افراد مهم است که آیا در چارچوب حقوقی موجود در جامعه انصاف لحاظ می‌شود یا خیر. به‌عبارت دیگر قبل از انعقاد قرارداد در صورتی‌که چارچوب حقوقی قرارداد تنظیمی منصفانه نباشد، طرفین حاضر با عقد قرارداد نخواهند بود، در این‌صورت نقض فعلی در حق مالکیت شکل نگرفته است، اما قراردادی به‌دلیل عدم کارآیی نظام حقوقی منعقد نشده است. بنابراین مهم است که

---

۱. برای مثال فریدمن اعتقاد داشت که وجود تورم موجب نااطمینانی می‌شود و پیش‌بینی متغیرهایی که در ارزیابی پروژه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند را با مشکل مواجه می‌سازد و این موجب می‌شود که هزینه ناشی از ریسک فعالیت‌های اقتصادی به‌خاطر افزایش واریانس متغیرهای تصمیم و متغیرهای مرتبط با آن افزایش یابد و همین عامل، خود سبب محدود شدن رشد سرمایه‌گذاری و کاهش بهره‌وری عوامل خواهد شد (Friedman, 1977). علاوه‌بر این تورم می‌توان سبب بروز نااطمینانی تورم شود. نااطمینانی تورم نیز اثرات مهمی بر متغیرهای کلان اقتصادی، اعم از رشد، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری خواهد داشت (Davis and Kanago, 1996;Grier and Perry, 2000).

۲. در اینجا نیز می‌توان مثال‌های ملموسی ارائه کرد: مثلاً به‌دلیل بی‌ثباتی اقتصاد کلان، کارآفرین اطلاعی از تورم و ارزش پول ملی در آینده نداشته و ازاین‌رو ریسک فعالیت اقتصادی و به‌تبع آن، هزینه‌های انتظاری‌اش افزایش می‌یابد. یا به‌عنوان مثال دیگر وام‌دهندگان تلاش می‌کنند تأثیر بالقوه این احتمال را که دولت در آینده تعهدات خود را زیر پا خواهد گذاشت، با افزایش نرخ بهره جبران کنند. علاوه‌بر این در مثالی دیگر اگر سیاست‌های پولی منجر به کاهش قدرت خرید پول شود و این موضوع ازسوی وام‌دهندگان پیش‌بینی شود، آنها نرخ بهره مورد درخواست خود را افزایش می‌دهند. مثال دیگر زمانی است که علاوه‌بر نکول وام‌ها، وام‌دهندگان انتظار مصادره اموال را نیز دارند. بنابراین آنها نرخ‌های بهره بالاتری را برای جبران افزایش نااطمینانی در استفاده از دارایی‌هایشان در آینده مطالبه خواهند کرد. به‌عبارت دیگر در برابر پیش‌بینی نقض حقوق مالکیت در آینده، ارزش حال کالاهای آتی سقوط می‌کند و بنابراین ترجیح زمانی افزایش می‌یابد.

آیا قوانین حقوقی در جامعه بر منصفانه بودن قراردادها نظارت می‌کنند یا خیر.[۱]

علاوه‌بر این، مواردی وجود خواهد داشت که بعضی از معاملات بنا به‌دلایلی که می‌تواند اجبار یا اضطرار باشد، منعقد می‌شود، اما این قرارداد به‌شدت یک‌طرفه است. سؤال اینجاست که آیا دستگاه قضایی نامعقول بودن معامله را در نظر می‌گیرد یا خیر؟

برای ساختار حقوقی جامعه مواردی از قبیل سلب مالکیت نیز می‌تواند برای کنشگران مهم باشد. بنابراین باید دید که آیا دولت در چارچوب حقوقی موجود، انصاف را برای سلب مالکیت رعایت می‌کند یا خیر؛ به‌عبارت دیگر در صورت سلب مالکیت خصوصی توسط دولت، رفاه جامعه کاهش می‌یابد یا خیر. اما سؤال اینجاست که دولت در چه شرایطی می‌تواند مالکیت اموال خصوصی را سلب نماید؟ براساس ادله حقوق و اقتصاد، دولت می‌تواند مالکیت افراد را سلب کند تنها اگر اولاً غرامتی معادل با مال به فرد بدهد و یا ثانیاً زمانی که مال برای استفاده عمومی سلب مالکیت شود. در این مورد باز هم شبهاتی وجود دارد مبنی‌بر اینکه آیا در این انتقال، رضایت مالک جلب می‌شود یا اینکه همان ارزش بازاری به مالک داده می‌شود؟ براساس مبانی علم اقتصاد در صورتی‌که دولت با سلب مالکیت از اشخاص، حتی معادل ارزش بازاری مال را به فرد بدهد، باز هم رفاه جامعه کاهش یافته و به نوعی حق فرد نقض می‌شود؛ دولت برای آنکه بخواهد حق را نقض نکند، باید معادل با ارزش ذهنی مال را به فرد اعطا کند (کوتر و یولن، ۱۳۸۸: ۲۳۰). بنابراین برای تأمین حقوق مالکیت باید دید که این موارد در حقوق جامعه تا چه اندازه تأمین می‌شود. برای مثال مطالعه ساختار حقوقی موجود در ایران نشان از آن دارد که دولت با سه شیوه قادر به سلب مالکیت از اشخاص است: اول، در باب ملی کردن؛ دوم، توقیف[۲] اموال و مصادره[۳] آن توسط دولت؛ سوم، سلب مالکیت برای امور عمرانی و شهرسازی. حال سؤال اینجاست که آیا قوانین حقوقی موجود در این بخش منصفانه هستند یا خیر؟ به‌عبارت دیگر آیا در صورت سلب مالکیت خصوصی مشروع توسط دولت، حق صاحب مال پرداخته خواهد شد یا خیر؟ در صورتی‌که این مورد نیز منصفانه نباشد، می‌توان بر نقض حقوق مالکیت در عمل و در انتظار تأکید داشت؛ به‌گونه‌ای که سلب

---

۱. به‌عبارت دیگر برای مثال آیا دادگاه در مورد ارزش عوض و تعهد تحقیق می‌کند یا اساساً توجهی به این بخش ندارد. اغلب از آنجا که تحقیق برای دادگاه هزینه‌بر است، دادگاه بجز نظارت بر انجام چارچوب قرارداد کار دیگری انجام نمی‌دهد (کوتر و یولن، ۱۳۸۸: ۲۵۷).

۲. توقیف مال را از بُعد حقوقی می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد: توقیف ملک ثبت شده، توقیف ملک در جریان ثبت، توقیف مال منقول بدون سابقه ثبتی، توقیف ملک مشاع. برای مطالعه بیشتر در مورد جزئیات این بخش ر.ک.: حکیمی‌تهرانی، ۱۳۸۹: ۷.

۳. مصادره اموال عبارت است از ضبط املاک و اموال مردم به‌عنوان مجازات و به حکم قانون. از دیدگاه حقوق جزا، مصادره، مجازات مالی است که به‌وسیله حکم دادگاه، تمام یا قسمتی از اموال یک شخص به دولت منتقل می‌شود. برای مطالعه بیشتر در باب مصادره ر.ک.: حسین پیران، (۱۳۷۳ و ۱۳۷٤)، «مصادره غیرمستقیم در حقوق بین‌الملل و رویه دیوان داوری دعاوی ایران ایالات متحده»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۸ و ۱۹، ٤٤٦-۳۸۵؛ علی قاسمی، (۱۳۸۱)، «مصادره اموال بیگانگان در حقوق بین‌الملل»، دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۲۷، ۸٤-۵۱.

مالکیت غیرمنصفانه توسط دولت باعث نقض و تحدید حقوق مالکیت افراد خواهد شد.[۱]

به‌عبارت دیگر با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان استنباط کرد که هرگونه نقص در قانون می‌تواند سبب کاهش تمایل افراد به انعقاد قرارداد و شروع کسب‌وکار شود؛ کاهش تمایل نیز از آنجا نشئت می‌گیرد که فرد نسبت به تأمین حقوق آتی خود بی‌اعتماد بوده و قانون موجود را ناکارآ و ناقص می‌داند.

به‌عبارت دیگر قوانین حقوقی باید از هر نظر کارآ و بهینه باشند. این کارآیی علاوه‌بر کیفیت، کمیت قوانین را دربر خواهد داشت. مباحث کیفی ناظر بر محتوای نظام حقوقی، بسیار پیچیده‌تر از مباحث کمّی است. اهمیت کیفیت مقررات تا به آنجاست که به‌عنوان شاخصی مجزا در نماگرها شاخص در بانک جهانی ارزیابی می‌شود.[۲] اما بحث کمّیت نیز در قوانین اهمیت بالایی دارد. به‌گونه‌ای که یکی از مفاهیم موردنظر در کیفیت محیط کسب‌وکار، مربوط به تعداد مقررات حاکم است. علاوه‌بر این تغییرات پی در پی مقررات نیز می‌تواند سبب رکود کسب‌وکار شود. این مفهوم با اصطلاح «تورم مقررات»[۳] معرفی می‌شود و امروزه مورد توجه بسیاری از اندیشمندان حقوق و اقتصاد است.[٤] افزایش تورم در مقررات، سبب کاهش تمایل افراد به انجام قرارداد و شروع کسب‌وکار خواهد شد.

یکی دیگر از مواردی که سبب خواهد شد تا افراد قرارداد را به‌صورت رسمی منعقد نکنند، هزینه‌های قرارداد است. به‌لحاظ نظری، هزینه اسناد رسمی باید در برابر هزینه ناامنی ملک تصرفی یا در برابر هزینه‌های غیررسمی (مانند رشوه) در به‌دست آوردن اسنادی که به طرفین مبادله ضرر می‌زنند سنجیده شود. انطباق قوانین و رویه‌ها با بستر اجتماعی، باعث کاهش چشمگیر هزینه‌های

---

۱. شاید یکی از شبهات مطرح شده توسط حقوقدانان را بتوان در ماده (۵۰) قانون برنامه و بودجه مصوب سال ۱۳۵۱ مشاهده کرد: « هرگاه در اجرای طرح‌های عمرانی احتیاج به خرید اراضی (اعم از دایر و بایر) و اعیانی و تأسیسات متعلق افراد با مؤسسات خصوصی باشد به طرق زیر عمل خواهد شد... . » هرچند بندهای مختلف این ماده راهکارهای اجرایی را به اراضی تحت مالکیت اشخاص در فروض مختلف (توافق یا عدم توافق) بیان داشته است، اما بند «۹» این ماده حکمی را مقرر داشته است که منجر به این تردید شده است که قانونگذار در بعضی از موارد از اصول اساسی چشم‌پوشی کرده و به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده است که بدون پرداخت هیچ‌گونه غرامت یا خسارتی نسبت به تصرف اراضی اشخاص اقدام نماید. این بند مقرر می‌کند: «اراضی واقع در خارج از محدوده شهرها که در مسیر راه‌های اصلی یا فرعی یا خطوط مواصلاتی و برق و مجاری آب و لوله‌های گاز و نفت قرار می‌گیرد با رعایت حریم مورد لزوم که از طرف هیئت وزیران تعیین خواهد شد از طرف دولت مورد استفاده قرار می‌گیرد و از بابت این حقوق ارتفاقی وجهی پرداخت نخواهد شد».

۲. در این شاخص عملکرد حکومت با پنج نماگر دیگر علاوه‌بر نماگر کیفیت مقررات ارزیابی می‌شود. ر.ک.: مرکزمالمیری (۱۳۹۰: ۲٦). به‌صورت خلاصه می‌توان گفت که آنچه در شاخص کیفیت مقررات مورد توجه قرار می‌گیرد، عبارت است از: کارکرد قوانین در حوزه‌های مهم اقتصادی همچون مداخله دولت در اقتصاد، کنترل قیمت‌ها و دستمزدها، موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، انضباط مالی دولت، کیفیت مقررات صادرات و واردات، میزان محدودیت برای احداث ساختمان، محدودیت‌ها در بازار سهام، سیاست‌های مربوط به رقابت، موانع ورود به بخش بانکی، اثربخشی سیاست‌های خودانحصار و کیفیت مقررات در تبدیل ارز. ر.ک. مصطفوی (۱۳۹۰: ۲۵)

3. Regulatory Inflation

٤. برای مطالعه بیشتر، ر.ک.: احمد مرکزمالمیری، «تأثیر کمّیت و کیفیت مقررات بر محیط کسب‌وکار»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۲۳۱۳، زمستان ۱۳۹۰، ص ۹.

سندزنی و ثبت دارایی‌ها می‌شود؛ زیرا ناکارآیی اداری را کاهش داده و از فناوری روز استفاده می‌کند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰). بنابراین در این بخش تأکید بر هزینه‌های انعقاد قرارداد خواهد بود. اگر سایر هزینه‌های فرصت را در این بخش نادیده بگیریم، برای انعقاد قرارداد افراد باید هزینه‌های مالی برای ثبت و زمان‌هایی برای انجام مراحل کار صرف کنند. در صورت افزایش نظام دیوان‌سالاری در این مورد، می‌تواند زیربنای لازم برای نقض حقوق مالکیت فراهم آید.[۱]

**ج) شرایط سیاسی ـ اجتماعی**

بروز نااطمینانی از آینده در شرایط اجتماعی و سیاسی نیز می‌تواند بر انجام و پایبندی به قراردادها اثرگذار باشد؛ به‌گونه‌ای که تغییرات ناگهانی در شرایط سیاسی ـ اجتماعی می‌تواند توزیع قدرت در جامعه را تغییر داده و بر بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی و بعضاً شرایط حقوقی در جامعه اثرگذار باشد. به‌عبارت دیگر افزایش نااطمینانی فعالیت اقتصادی از آینده سیاسی و اجتماعی موجود در جامعه و یا وعده‌های سیاستمداران و سران قدرت، می‌تواند سبب افزایش هزینه‌های انتظاری و به‌تبع آن کاهش تمایل به انعقاد قرارداد شود.[۲] بسیاری از این موارد را می‌توان «هزینه مبادله سیاسی» نامید (فورابون و ریچتر، ۲۰۰۰: ٤٧؛ نورث، ۱۹۹۰). در این بخش نیز هرگونه افزایش در هزینه‌های مبادله سیاسی می‌تواند سبب افزایش تحدیدات مربوط به مالکیت شود. برای مثال در شاخص‌های مورد نظر بر محاسبه اندازه بی‌ثباتی سیاسی به متغیرهایی همچون: انتقال نامنظم قدرت سیاسی، جنگ‌های

---

۱. مطالعه گزارش «انجام کسب‌وکار» ۲۰۱۳ نشان از آن دارد که در ایران برای ثبت مالکیت نیاز به هزینه و زمان بالایی خواهد بود، به‌گونه‌ای که برای ثبت نیازمند ۹ مرحله، صرف ۳٦ روز و پرداخت معادل با ۱۰/۵ درصد از ارزش ملک خواهد بود. شکل زیر روند سری زمانی هزینه (درصدی از ارزش ملک) و زمان لازم برای ثبت مالکیت را برای اقتصاد ایران نمایش می‌دهد. برای مطالعه بیشتر ر.ک: بانک جهانی، «وضعیت ایران در گزارش انجام کسب‌وکار بانک جهانی، ۲۰۱۳»، ترجمه فرید قادری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (گروه مطالعات محیط کسب‌وکار)، شماره مسلسل ۱۲۹٤۸، بهار ۱۳۹۲، ص ۳٦.

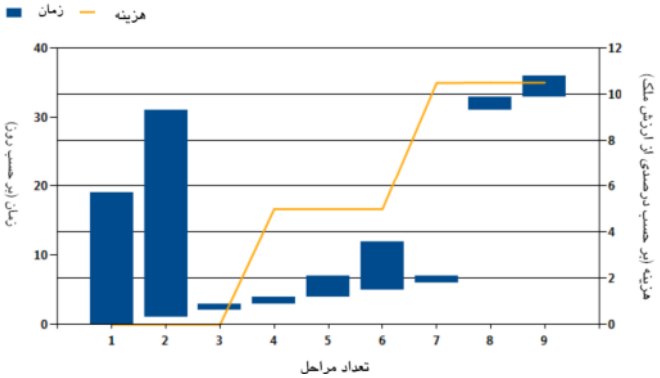


۲. طبق نظرسنجی بانک جهانی از ۲٦۰۰۰ شرکت در ۵۳ کشور درحال توسعه، نااطمینانی نسبت به سیاست‌ها که مقررات جزء محوری آن محسوب می‌شود، مهمترین مانع کسب‌وکار دانسته شده است. حدود ۸۰ درصد از شرکت‌ها نااطمینانی نسبت به سیاست‌های دولت را مهمترین دلیل برای ممانعت از کسب‌وکار خود اعلام کرده‌اند. برای مطالعه بیشتر ر.ک.: مرتضی مصطفوی، «عملکرد دولت در بهبود محیط کسب‌وکار در ایران طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۵»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۰۹٤۲، مرداد ۱۳۹۰، ص ٤.

داخلی، تظاهرات‌های خشونت‌آمیز، ناآرامی‌های اجتماعی، تنش‌های بین‌المللی، تهدیدهای تروریستی، ترورهای سیاسی، تضادها و ناآرامی‌های قومی و دینی اشاره کرد.[۱]

به‌عبارت دیگر به‌صورت خلاصه می‌توان اذعان داشت که نااطمینانی نسبت به سیاست‌ها، افق سرمایه‌گذاری را کوتاه‌مدت می‌کند و زمینه رفتارهای سوداگرانه را فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی نمی‌توان از کارآفرینان انتظار نوآوری و سرمایه‌گذاری بلندمدت داشت. اطمینان‌بخشی به صاحبان کسب‌وکار در مورد قابل پیش‌بینی بودن مقررات یک ضرورت است. بخش خصوصی باید اطمینان داشته باشد که به‌طور ناگهانی مقررات تغییر نخواهد کرد و می‌توان رفتار سیاستگذاران را پیش‌بینی کرد.[۲]

### ۲-۴. مواردی که سبب عدم پایبندی به قرارداد می‌شود

اصولاً عدم پایبندی به قرارداد ریشه در ضعف نظام تضمین حقوق دارد؛ به‌گونه‌ای که اگر قرارداد منصفانه وضع شود و ساختار قضایی و اقتصادی جامعه، قوانینی منصفانه با ضمانت اجرا بالا و هزینه‌های اندک برای پیگیری داشته باشد، هزینه‌های تخطی از قرارداد به‌شدت افزایش یافته و هیچ‌کدام از طرفین قرارداد، تمایلی به تخطی و سرپیچی از مفاد قرارداد نخواهند داشت. ازاین‌رو می‌توان اذعان داشت که هر عاملی که سبب کاهش هزینه‌های تخطی و یا افزایش تمایل افراد به تخطی شود، می‌تواند بر ساختار حقوق مالکیت در جامعه اثرات منفی داشته باشد.[۳] در این بخش فرض بر آن است که قرارداد در هر حال ـ چه عادلانه و چه غیرعادلانه ـ شکل گرفته است، اما پس از اجرا، یکی از طرفین یا هر دوی آنها به قرارداد پایبند نباشند. این عدم پایبندی به قراردادها می‌تواند به‌دلایل عمده‌ای بروز کند که این دلایل ارتباط تنگاتنگی با ضعف حقوق مالکیت در تضمین قرارداد منعقده دارد. موارد مرتبط در این بخش را می‌توان به‌صورت زیر بیان کرد:

#### ۱-۲-۴. بی‌ثباتی‌ها

در زمانی که فرد به‌دنبال انعقاد قرارداد است، از آینده اطلاعی ندارد و براساس تصورات و

---

۱. شاخص‌های معرفی شده برای اندازه گیری ثبات سیاسی در شاخص‌های بین‌المللی زیر استخراج شده است:
CBIP -- Commercial Business Information Provider, GOV -- Public Sector Data Provider, NGO -- Non-Governmental Organization Data Provider

۲. احمد میدری، «ارزیابی ابزارهای بهبود محیط کسب‌وکار»، بولتن تخصصی اقتصاد ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره دوم، ویژه نامه کسب‌وکار، پاییز ۱۳۸۷، ص ۱۳.

۳. یکی از مباحث عمده و مهم در اقتصاد حقوق ، نظریه نقض کارآمد است، مبنای اساسی این نظریه، کارآیی اقتصادی است. بر این اساس، کاهش هزینه‌های اجرای تعهد برای طرفین، بیشتر از سود آن است. پس باید نقض قرارداد در چنین مواردی جایگزین اجرای اصل تعهد شود؛ زیرا چنین نقضی موجب استفاده بهینه‌تر از منابع خواهد شد (Friedman,1989:1-24). براساس نظریه نقض کارآمد، در صورتی‌که در اثر پیمان‌شکنی، دست‌کم شرایط یکی از طرفین، بدون اینکه به وضعیت دیگری لطمه‌ای وارد شود، بهتر از قبل شود، چنین نقضی از نظر اجتماعی کارآمد است. این محاسبه برمبنای معیار کالدور ـ هیکس در علم اقتصاد بیان می‌شود (Lahav, 2000:1).

پیش‌بینی‌های خود از آینده قرارداد را منعقد کرده یا از انعقاد آن سرباز می‌زند. اما پس از انعقاد قرارداد، طرفین شرایط پیش‌بینی شده را با واقعیت‌های ملموس مقایسه خواهند کرد و هرگونه عدم تطابقی بر رفتارشان تأثیر داشته و احتمال تخطی از مفاد قرارداد را تغییر می‌دهد. ازاین‌رو در این بخش به بی‌ثباتی‌ها به‌عنوان بخشی از عدم تطابق انتظارات و واقعیت‌ها تأکید خواهیم کرد.[۱]

**الف) بی‌ثباتی اقتصادی**

با بروز شوک‌های منفی پیش‌بینی نشده اقتصادی، هزینه‌های محاسبه نشده فعالیت اقتصادی افزایش یافته و احتمال بروز تخطی طرفین قرارداد افزایش خواهد یافت. به‌گونه‌ای که بسیاری از مطالعات نشانگر ارتباط مستقیمی میان بی‌ثباتی در متغیرهای اقتصادی و میزان عدم پایبندی به قوانین در جامعه هستند. بنابراین می‌توان اذعان داشت که بی‌ثباتی‌های اقتصادی می‌تواند باعث افزایش احتمال نقض حقوق مالکیت و تحدید در تأمین آن شود.[۲] در این زمینه دورکیم معتقد است که وقتی نوسانات شدید اقتصادی همه ابعاد زیستی را دچار نابسامانی می‌کند، نظم اجتماعی سست می‌شود و میزان قانون‌گریزی در جامعه اوج می‌گیرد. به‌زعم دورکیم، نوسانات شدید اقتصادی که منجر به گردآوری ناگهانی ثروت و یا از دست رفتن آن می‌شود، تأثیر شدیدتری دارد و از نظر زمانی برای دوران طولانی‌تری فرآیند انطباق اجتماعی و تبعیت از قوانین و عرف را به‌عنوان نیروهای اجتماعی کاهش می‌دهد؛ زیرا موجب تغییر ناگهانی ارزش‌های اجتماعی شده و در مردم حالت سردرگمی عارض می‌شود به‌گونه‌ای که نوسانات شدید اقتصادی و بی‌هنجاری اقتصادی شکاف طبقاتی را افزایش داده و در این حالت اکثریت افراد جامعه قادر به تأمین نیازهای خود نمی‌شوند و از این طریق قانون‌گریزی تشدید می‌شود (چمبرز، ۱۹۹۸).

**ب) بی‌ثباتی در مقررات و قوانین**

یکی از مهمترین ویژگی‌های قانون که همواره در نظریه حاکمیت قانون[۳] بر آن تأکید می‌شود، ضرورت ثبات در قانون است. اقدام قانونگذاران برای ایجاد تغییرات مستمر در نظام حقوقی، از طریق وضع قانون جدید و اصلاحات مکرر آنها اصل قطعیت حقوقی[۴] را تضعیف می‌کند. اگر قوانین

---

۱. روشن است که تفاوت ماهوی میان بی‌ثباتی و نااطمینانی وجود دارد. بی‌ثباتی حال حاضر می‌تواند دلیلی برای نااطمینانی از فردا باشد.

۲. در اینجا نیز می‌توان مثال‌های ملموسی را ارائه نمود: مثلاً به‌دلیل بی‌ثباتی اقتصاد کلان، تورم و ارزش پول ملی اقتصاد با پیش‌بینی‌های کارآفرینان همخوانی نداشته و ازاین‌رو فعالیت برای آنان زیان‌ده خواهد بود، در این شرایط زمانی که هزینه‌های تخطی برای کارآفرین کمتر از هزینه‌های تحمیل شده پس از تعطیلی فعالیت باشد، او تمایل خواهد داشت تا از قرارداد منعقده تخطی کرده و حقوق طرف مقابل را زیر پا بگذارد.

۳. «حاکمیت قانون» (Rule of Law) نظمی حقوقی متشکل از قواعد قابل پیش‌بینی، قابل اجرا و کارآمد که برای شکوفایی بازار اقتصادی لازم است. اما برای تعریف و شناسایی مفهوم حاکمیت قانون مباحث عمده‌ای صورت گرفته است؛ به‌عنوان نمونه، به‌زعم برخی از صاحبنظران در بانک جهانی، تعاریف فوق را می‌توان به دو دسته شکلی و ابزاری تقسیم کرد: اولین مورد بر میزان استقلال نظم حقوقی از سایر نظم‌های موجود، یعنی اخلاقی، سیاسی شکل گرفته است و دومین مفهوم یعنی حاکمیت ابزاری و ذاتی، برمبنای ارزش نسبی حاکمیت قانون در مقابل سایر ارزش‌ها مانند نظم، دمکراسی و عدالت شکل گرفته است. برای مطالعه بیشتر ر.ک.: آلوارو سانتوس، «بهره‌گیری بانک جهانی از آموزه حاکمیت قانون در توسعه اقتصادی»، ترجمه لیلی منفرد، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (گروه مطالعات محیط کسب‌وکار)، شماره مسلسل ۱۲٤۲٥، تابستان ۱۳۹۱، ص ٤.

4. Legal Certainty

دائماً تغییر یابند و اصلاح شوند، مردم برای تشخیص اینکه در هر مورد خاص کدام قانون حکمفرماست دچار مشکل می‌شوند و همواره نگران آینده و نامطمئن خواهند بود. در این حالت یکی از عناصر اصلی نظام تصمیم‌گیری آنان برای برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و بلندمدت، غیرقابل اتکا خواهد بود.[۱] ازسوی دیگر، چنانچه قانون به‌طور مکرر تغیر کند و از ثبات قابل قبول برخوردار نباشد، مردم از وقت و فرصت کافی برای منطبق کردن رفتار خود با تغییرات صورت گرفته برخوردار نخواهند بود.[۲] به‌گونه‌ای که اگر قوانین در فواصل کوتاه‌مدت و بدون توجیهات موجه و عقلانی اصلاح شوند، شهروندان به‌صورت دائم در بیم آن خواهند بود که قانون یا قوانینی را که ملاک تصمیم‌گیری‌ها به‌ویژه در امور اقتصادی قرار داده‌اند، تغییر کرده یا قرار است به‌زودی تغییر یابد.[۳]

جوزف رز[٤] اعتقاد دارد که نقض حاکمیت قانون به دو شکل صورت می‌گیرد: نخست، عدم قطعیت و دوم انتظارات بیهوده و بر باد رفته؛ شکل اول زمانی رخ می‌دهد که قانون، امکان پیش‌بینی آینده یا انتظارات خاصی را میسر نمی‌سازد. عدم قطعیت، فرصت‌هایی را برای اعمال قدرت خودسرانه مهیا می‌کند و توانایی مردم را برای برنامه‌ریزی و تعقیب اهدافشان با محدودیت مواجه می‌کند، اما بیهودگی انتظارات زمانی رخ می‌دهد که ثبات و قطعیت قانون که مهمترین عامل در جهت ترغیب شهروندان به تکیه بر آن برای برنامه‌ریزی است، با تصویب قوانین معطوف به گذشته یا عدم اجرای مناسب قانون، از میان می‌رود.[٥] علاوه‌بر موارد فوق نگرانی شدیدی وجود دارد که تورم مقرراتگذاری موجب کاهش شفافیت و کیفیت مقررات شود و از طرق متعددی به نظام اقتصادی انعطاف‌پذیر و راکد بیانجامد.

بنابراین به‌روشنی می‌توان دریافت که بی‌ثباتی‌ها در مقررات و قانونگذاری نیز می‌تواند باعث افزایش احتمال تخطی میان افراد شود. به‌عبارت دیگر در این زمینه نیز عدم تطابق میان انتظارات آتی افراد و واقعیت‌هایی که پس از انعقاد قرارداد با آن روبرو می‌شوند، می‌تواند سبب افزایش احتمال

---

۱. جوزف رز، «در باب حاکمیت قانون و فضیلت آن»، ترجمه لیلی منفرد، *حقوق اساسی*، سال ششم، تابستان ۱۳۸۸، شماره ۱۱، ص ۳۹۷. برای مطالعه بیشتر ر.ک.:احمد مرکزمالمیری، *حاکمیت قانون: مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵، صص ۱۹٦-۱۹۱.

۲. پل دلونی، «نقش تهیه‌کنندگان پیش‌نویس قانون در تعیین محتوای قوانین»، در: حسن وکیلیان (تألیف و ترجمه)، *گفتارهایی در قانون و قانونگذاری*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، صص ۳۳٤-۳۳۳.

3. Norman P. Barry, An Introduaction to Political Theory, London, Macmillan, 2000, p.199.

4. Joseph Raz

۵. برای مطالعه بیشتر ر.ک.: مرکزمالمیری (۱۳۹۰: ۱۱).

تخطی میان آنان شود.[۱] مطالعات تجربی در باب حقوق مالکیت نشان از آن دارد که متغیرهایی که باعث بی‌ثباتی‌ها در بخش مقررات و قانون و یا تشکیک در اعتماد افراد به ثبات نظام حقوقی و قضایی شود، می‌تواند باعث ضعف در تأمین حقوق مالکیت افراد شوند. برای مثال استقلال دستگاه قضا از آنجا که ارتباط مستقیم با تأمین حقوق مالکیت افراد دارد، می‌تواند اثرات مهمی بر امنیت مالکیت در جامعه داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که عدم استقلال دستگاه اجرایی قانون سبب خواهد شد به‌واسطه جهت‌گیری جانبدارانه خود، حق مالکیت را در جامعه محدود و یا بعضاً تضییع کند.[۲]

در اینجا نیز هر متغیری که سبب شود هزینه مبادله و هزینه‌های انتظاری افراد از آینده افزایش یابد، می‌تواند بر هزینه مبادله افراد مؤثر باشد. به‌گونه‌ای که برای مثال افزایش فساد و رشوه‌خواری در نظام اقتصادی باعث افزایش هزینه مبادله خواهد شد[۳] (کوز، ۱۹۹۸؛ گرث و جاف،[٤] ۱۹۹٦) از این طریق فساد می‌تواند آثار مهمی بر فرآیند دادرسی گذاشته و هزینه‌های دادرسی را تغییر دهند. تغییر هزینه‌های دادرسی نیز می‌تواند بر احتمال تخطی و هم بر احتمال پیگیری مفاد قرارداد توسط طرفین مؤثر باشد.

یکی از مواردی که در مباحث حقوقی مورد توجه قرار می‌گیرد، پیش‌بینی نقض قرارداد است؛ پرونده‌ای که در نظام حقوق عرفی با عنوان "Anticipatory Breach" مطرح می‌شود به این معناست که قبل از رسیدن موعد انجام تعهد یک طرف، دیگر پیش‌بینی می‌کند که قرارداد ازسوی وی انجام نخواهد شد. به‌عبارت دیگر، پس از انعقاد قرارداد، اما قبل از رسیدن موعد انجام آن، معلوم می‌شود که یکی از طرفین قرارداد به تعهدات قراردادی خود در آینده عمل نخواهد کرد. حال سؤال اینجاست آیا مبانی حقوقی در این مورد راهکاری دارد؟[٥]

بنابراین به‌صورت خلاصه در این بخش، متغیرهایی همچون تغییرات ساختار قوانین، فساد و رشوه‌خواری در دستگاه قضایی، استقلال دستگاه قضایی، تغییرات مکرر قوانین، قابلیت قوانین حقوقی در پیش‌بینی نقض قرارداد، می‌تواند سبب اثرگذاری بر نحوه تأمین مالکیت شود. به دیگر

---

۱. برای مثال کارآفرینان پیش از انعقاد قرارداد هزینه‌های خود را با مالیات ۱۰ درصد پیش‌بینی می‌کنند، اما پس از قرارداد ضوابط حقوقی تغییر کرده و مالیات به ۲۰ درصد افزایش یابد، در این شرایط نیز زمانی که هزینه‌های تخطی برای کارآفرین کمتر از هزینه‌های تحمیل شده پس از تعطیلی فعالیت باشد، او تمایل خواهد داشت تا از قرارداد منعقده تخطی کرده و حقوق طرف مقابل را زیر پا بگذارد. بنابراین تغییر و بی‌ثباتی حقوقی قادر خواهد بود احتمال تخطی را تحت‌الشعاع قرار دهد.

۲. برای مطالعه بیشتر می توان مراجعه کرد به:

Dulal Miah, (2012), In Quest of Judicial Independence for Protecting Private Property: Evidence from constitutional Review in South Korea, Asian Journal of Law and Economics, vol. 3, Issue 1, pages 3.

۳. نورث (۱۹۹۰: ٦٥) این مورد را به‌عنوان هزینه مبادله سایه‌ای معرفی می‌کند.

4. Geurts & Jaffe

۵. براساس کنوانسیون‌های حقوقی برای این مشکل دو راه فسخ قرارداد و تعلیق قرارداد وجود خواهد داشت. ر.ک.: تفرشی، محمدعیسی و فخرالدین اصغری (۱۳۸۲)، «لزوم پیش‌بینی بودن ضرر ناشی از نقض قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۹، صص ۷۱-۵۳.

سخن افراد در زمان اجرای قرارداد نیز مقررات موجود و حاکم بر شرایط را ارزیابی می‌کنند، اما ارزیابی در اینجا از نوع ارزیابی پسینی (معطوف به گذشته) می‌باشد. حال آنکه در بخش قبل (یعنی پیش از انعقاد قرارداد)، ارزیابی از مقررات به‌صورت ارزیابی پیشینی (یا معطوف به آینده) خواهد بود. ارزیابی نوع دوم پیش از اتخاذ تصمیم و برای داشتن تصویری واضح از آثار مقررات صورت می‌گیرد.[۱] دید منفی و بی‌اعتماد در هر یک از این ارزیابی‌ها سبب بروز رفتار منفعل می‌شود؛ در حالت اول تخطی شکل گرفته و در حالت دوم، قرارداد منعقد نخواهد شد.

**ج) بی‌ثباتی‌های اجتماعی ـ سیاسی**

نورث معتقد است حقوق مالکیت توسط نهادهای سیاسی در جامعه شناسایی شده و اِعمال می‌شود، بنابراین بی‌ثباتی‌ها و تغییرات نهادهای سیاسی و اجتماعی می‌تواند بر نحوه تضمین حقوق مالکیت در جامعه مؤثر باشد (North,1991:98). متوز نیز بر این باور است که رفتارها و بی‌ثباتی‌های دولت و نهادهای سیاسی به‌عنوان مهمترین نهادی که نقش برقراری حقوق مالکیت را در جامعه داراست، می‌تواند بر چگونگی تضمین مالکیت در جامعه مؤثر باشد (Matthews, 1986:910). بروز تغییرات سیاسی و اجتماعی نیز سبب خواهد شد تا افراد به نقض و عدم پایبندی به قراردادهایشان متمایل شوند. به‌عبارت دیگر با تغییرات و بی‌ثباتی‌های مدیریتی و سیاسی در جامعه، پیش‌بینی‌ها و واقعیت‌های جامعه از هم فاصله گرفته و از این طریق احتمال نقض حقوق مالکیت افزایش می‌یابد. مطالعات تجربی حکایت از آن دارد که افزایش بی‌ثباتی‌های سیاسی و اجتماعی باعث افزایش هزینه‌های مبادله سیاسی شده و از این طریق تأمین حقوق مالکیت را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد.[۲]

### ۲-۲-۴. عدم تطابق و عدم تقارن در اطلاعات

در صورتی‌که پس از اجرای قرارداد، طرفین به عدم تطابق مفاد قرارداد با واقعیت‌های مورد انتظار از آن، به‌دلیل عدم صداقت یکی از طرفین روبرو شوند، احتمال تخطی از قرارداد افزایش خواهد یافت. این عدم تطابق می‌تواند به‌دلایل مختلفی بروز یابد و از آن فراتر، بحث اطلاعات می‌تواند به‌دلیل عدم تقارن اطلاعاتی باشد که با افزایش قدرت در دست گروهی خاص، احتمال تخطی آنان از قراردادهای موجود در جامعه افزایش خواهد یافت.

---

۱. لوئیس مدر، «ارزیابی تأثیرات: به‌سوی ارتقای کیفی قانونگذاری» در: وکیلیان، پیشین، ص ۳۱۰.

۲. سازاکی و دولال (۲۰۰۷) بر این باورند که بی‌ثباتی‌های سیاسی می‌تواند باعث عدم برقراری کامل حقوق مالکیت در جامعه شود برای مطالعه بیشتر، ر. ک.:

- Suzuki Yasushi, Dulal Miah (2007). Incomplete Property Rights under Political Uncertainties: A critique of the new institutionalist view, www.en.kyushu-u.ac.jp/aslea/apapers/DULAL.pdf

### ۳-۲-۴. انحصار در قدرت و عدم تقارن در آن

همان‌گونه که پیش از این گفته شد، عدم تقارن در قدرت می‌تواند بر تصمیم برای انعقاد قرارداد مؤثر باشد. پس از انجام قرارداد نیز این عدم تقارن قادر خواهد بود تا احتمال تخطی طرفین را افزایش دهد. به‌طور تاریخی، حقوق مالکیت و نهادها به‌صورت کلی در نتیجه قدرت چانه‌زنی عاملان و کنشگران جامعه پدیدار می‌شوند و هرگونه اریب و عدم توازن در این قدرت سبب خواهد شد تا بخشی از جامعه دارای قدرت چانه‌زنی بالاتر و متعاقباً کسب حقوق غیرمنصفانه‌تری باشد (گریف،[۱] ۱۹۹۸؛ لیبکاپ،[۲] ۱۹۸۶؛ ماتوز،[۳] ۱۹۹۶؛ نورث،[۴] ۱۹۸۷، ۱۹۹۰). بنابراین بی‌تعادلی در توزیع اطلاعات (اعم از مورد مبادله و قوانین حقوقی) می‌تواند باعث اثرگذاری بر ساختار حقوق مالکیت شود. آکتون[۵] معتقد است که قدرت، فساد می‌آورد و قدرت مطلق مسلماً فسادزاست. او بر این عقیده است که یکی از عواملی که حکومت‌ها را به فساد می‌کشاند، ایجاد تمرکز است و یک حکومت زمانی متمرکز می‌شود که تصمیم‌گیری از دست شمار زیادی از مردم خارج شود و سرنوشت یک کشور و جامعه در دست تعداد اندکی قرار گیرد (مشفق، ۱۳۸۵). همان‌گونه که پیش از این توضیح داده شد، براساس نظریه‌های اقتصاد نهادگرا، جریان قدرت در جامعه را می‌توان به قدرت سیاسی رسمی و قدرت سیاسی غیررسمی تقسیم کرد که هر یک از این موارد از منابعی خاص نشئت می‌گیرند. حال اگر تقابل این قدرت‌ها برای طرفین قرارداد غیرمتقارن باشد، این احتمال را افزایش می‌دهد که از رانت قدرت استفاده کرده و از قرارداد تخطی کند.[۶] در مواردی نیز صاحبان قدرت در جامعه می‌توانند از قدرت خود سوءاستفاده کرده و از آن برای جانبداری قضایی بهره ببرند.

---

1. Greif
2. Libecap
3. Matthews
4. North
5. Acton

۶. ذکر مثالی ساده برای روشن شدن این مفاهیم می‌توان مفید باشد. اگر به توسعه حقوق مالکیت اروپا در قرون وسطی توجه کنیم هیچ شکی نیست که فقدان حقوق مالکیت برای مالکین، بازرگانان و صنعتگران در ابتدای تاریخ بسیار زیان‌آور بوده است. از آنجا که در آن زمان نهادهای سیاسی، قدرت سیاسی را به پادشاهان و انواع دیگر نظام‌های سلطنتی موروثی تفویض می‌کردند، بنابراین تصمیم‌گیری در مورد حقوق مردم به‌طور عمده توسط پادشاه انجام می‌شد. درحالی که پادشاهان انگیزه‌های زیادی برای محافظت از حقوق مالکیت خود داشتند، اما برعکس، اغلب از قدرت خود برای سلب مالکیت تولیدکنندگان بهره می‌بردند، آنها با وضع مالیات غیرقانونی، عدم بازپرداخت بدهی‌های خود، منابع مولد جامعه را به هم‌پیمانان خود تخصیص دادند و در عوض از آنها سود اقتصادی و یا حمایت از قدرت سیاسی خود را درخواست می‌کردند. در نتیجه نهادهای اقتصادی در قرون وسطی انگیزه‌های اندکی برای سرمایه‌گذاری در زمین، سرمایه فیزیکی یا سرمایه انسانی و یا تکنولوژی داشته و باعث کاهش رشد اقتصادی این نسل شدند (آسم اغلو و همکاران، ۲۰۰۹). در دوره‌های حاضر نیز می‌توان مثال‌هایی را مطرح کرد؛ مثلاً یک کارآفرین ممکن است به‌دلیل پارتی‌بازی، اعمال قدرت یا اعمال نفوذ صاحبان قدرت (همانند نظامیان، سیاستمداران و نزدیکانشان و...) یا هر نوع خروج از ضوابط، ناحق از یک فرصت کسب‌وکار محروم می‌شود یا به‌صورت ناحق فرصتی را از رقیبش برباید. علاوه‌بر این در وجود قدرت انحصاری در صنعت نیز می‌تواند به این مورد منجر شود، به‌گونه‌ای که یک تولیدکننده انحصاری می‌تواند قراردادهای یک طرفه وضع کرده و منافع بالاتری را در قرارداد کسب نماید و یا اینکه در جریان تعاملات اقتصادی مازاد بالاتری را از رفاه مصرف‌کننده تصاحب می‌کنند. برای نمونه، ر. ک.:

McHardy, J. P. (2000) و Yarrow, G. K. (1985)

الیکسون (۱۹۹۱) اعتقاد دارد که نهادهای سیاسی ممکن است با فشار بر دولت، سبب جانبداری از خود در مورد حقوق مالکیت شوند. آنان ممکن است به دادگاه فشار آورند، یا آنکه همزمان هم به دولت و هم به دستگاه قضایی زیرمجموعه آن فشار بیاورند. (مثال‌های متعددی از این موضوع وجود دارد در الیکسون ۱۹۸۹). به‌عبارت دیگر قدرت‌های غیررسمی می‌توانند با تأثیرگذاری در فرآیند دادرسی سبب جهت‌گیری آن شوند (بروکس[1] و همکاران، ۲۰۰۳). ازاین‌رو می‌توان به این نتیجه رسید که عدم توازن قدرت در جامعه می‌تواند زمینه‌های لازم برای نقض حقوق مالکیت را فراهم آورد. این نقض می‌تواند در بخش افزایش احتمال از تخطی در قانون نیز بروز کند.

### ۳-۴. مواردی که سبب کاهش تمایل افراد به پیگیری مفاد قرارداد می‌شود

به‌رغم تلاشی که طرف‌های اختلاف ممکن است قبل از توسل به رویه‌های حقوقی برای دستیابی به راه‌حلی دوستانه مبذول دارند ممکن است اوضاع و احوالی پدید آید که صاحب حق مالکیت فکری احساس کند که باید علیه نقض کنند قرارداد اقامه دعوی[2] کند این اقامه دعوی می‌تواند در زمینه حقوقی یا کیفری باشد. علاوه‌بر این ممکن است دعوی به‌صورت غیرقراردادی[3] بروز نماید. هر چند برای افزایش احتمال تأمین مالکیت در آینده لازم است قرارداد رسمی منعقد شود. حال اگر هزینه‌های انتظاری در جریان این دادرسی به هر دلیلی افزایش یابد، سبب خواهد شد تا فرد تمایلی به اقامه دعوی و پیگیری جریان دادرسی نداشته باشد. بنابراین مالکیت وی نقض خواهد شد. در اینجا مواردی را مرور می‌کنیم که افراد تمایلی به پیگیری مفاد قرارداد و اقامه دعوی نداشته باشند.

برای ادامه تحلیل فرآیند حاضر فرض خواهیم کرد که افراد قرارداد را منعقد کرده و یکی از طرفین بنا به دلایلی از قرارداد تخطی کرده و به مفاد آن پایبند نبوده است؛ به‌عبارت دیگر، حقوق یکی از طرفین تضییع می‌شود. حال می‌خواهیم ببینیم چه شرایطی سبب خواهد شد تا افراد برای احقاق حق خود روند قانونی را طی کنند و چه دلایلی سبب عدم تمایل افراد برای احقاق حق خواهد شد.

برای شروع باید ابتدا به این سؤال پاسخ دهیم که در صورت تخطی یکی از طرفین و پیگیری دعوی حقوقی، خسارت متضرر چگونه جبران خواهد شد؟ در ادبیات حقوق و اقتصاد، ابزارهای حمایت از حقوق مالکیت به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: دسته اول روش‌هایی است که براساس

---

1. Brooks

۲. دعوی حقی است که به‌موجب آن اشخاص می‌توانند به دادگاه مراجعه کنند و از مقام رسمی بخواهند که به‌وسیله اجرای قانون، از حقوقشان در برابر دیگری حمایت شود. مراجعه به دادگاه و اجرای حق همیشه به وسیله عمل حقوقی خاصی انجام می‌شود که اقامه دعوی نام دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۱٤).

۳. دعاوی غیرقراردادی، همان‌گونه که از معنای ظاهری آن آشکار است مربوط به دعاوی‌ای است که زمینه قراردادی پیشینی میان صاحب دعوا و طرف دعوا وجود ندارد. دعاوی غیرقراردادی اموال مشتمل بر دو گونه دعوی است، اول دعوی اعتراض به ثبت یا عدم ثبت حقوق مالکیت و دوم دعوی نقض حقوق مالکیت.

آن خسارت‌زننده به پرداخت وجهی معادل خسارتی که به مالک دارایی وارد آورده ملزم می‌شود، و دسته دوم، صدور قرار منع برای خسارت‌زننده می‌باشد. جبران خسارت به‌صورت پرداخت خسارت که ناظر بر گذشته است؛ بدین مفهوم که ضررهایی را که خواهان متحمل شده را جبران می‌کند و جبران خسارت مبتنی‌بر انصاف که شیوه‌ای ناظر بر آینده خواهد بود بدین مفهوم که مانع از آن می‌شود که خوانده در آینده خسارتی بر خواهان وارد آورده است. البته خسارت می‌تواند به‌صورت تلفیقی نیز باشد (کوتر و یولن، ۱۳۸۸: ۱۳۰). باید توجه داشت که نوع قانون می‌تواند تعادل اقتصادی را تغییر دهد؛ مثلاً روش‌های جبران خسارت دو طرف دعوی اگر به‌صورت قرار منع باشد یا به‌صورت قرار به خسارت، می‌تواند تعادل‌های جداگانه‌ای را برای اقتصاد به‌دست آورده و از این طریق آثار متفاوتی بر حقوق مالکیت دو طرف معامله بگذارد. به‌عبارت دیگر زمانی که هزینه مبادله بالا باشد در این‌صورت چانه‌زنی پرهزینه شده و پرداخت خسارت از قرار منع کارآمدتر خواهد شد. در این شرایط احتمال همکاری کاهش می‌یابد. بنابراین برای یافتن بهترین روش جبران خسارت نیز نیازمند آن خواهیم بود تا شرایط را سنجیده و مقدار بهینه را بیابیم (کوتر و یولن، ۱۳۸۸: ۱۳۷). برای مثال در صورتی‌که در جامعه هزینه مبادله بالا باشد، یعنی موانع زیادی برای همکاری دو طرف وجود داشته باشد، اعطای خسارت پولی معادل زیان، بهترین روش اجتماعی خواهد بود و در زمانی که هزینه مبادله در اقتصاد اندک بوده و موانع کمی برای همکاری وجود داشته باشد، صدور قرار منع مزاحمت خوانده در مال می‌تواند بهترین روش جبران خسارت باشد. به‌عبارت دیگر اثرگذاری ابزارهای پیش‌گفته بر کارآیی اقتصادی تابعی از هزینه‌های مبادله خواهد بود. چنان‌که کلابرسی و ملامد[1] در مقاله خود نشان داده‌اند، هنگامی که هزینه‌های مبادله بالاست و موانعی جدی در برابر همکاری وجود دارد، استفاده از روش خسارت کارآتر و زمانی که هزینه مبادله اندک باشد قرار منع کارآتر خواهد بود (کلابرسی و ملامد، ۱۹۷۲: ۱۰۸۹). ازاین‌رو می‌توان دریافت که حتی روش جبران خسارت نیز می‌تواند بر تعادل اقتصادی مؤثر باشد و چون تعادل‌های مختلف به همراه خود تأمین حقوق مالکیت‌های مختلف را دربر می‌گیرند، بنابراین روش جبران خسارت می‌تواند اثر مستقیمی بر نحوه تأمین مالکیت در جامعه بگذارد.

### ۱-۳-۴. هزینه‌های اجرای قانون

هزینه‌های اجرای قرارداد را می‌توان به هزینه‌های مالی و هزینه‌های زمانی تقسیم کرد. یکی از مشکلات عمده‌ای که در اقتصاد ایران وجود دارد، زمان بالای مورد نیاز برای پیگیری احقاق حق در قراردادها و هزینه‌های جانبی فراوان برای فرآیند مذکور است؛ به‌گونه‌ای که بعضاً بالا بودن این هزینه‌ها سبب می‌شود که طرفین معامله حتی بعد از عدم پایبندی طرف مقابل، به‌دلیل بالا بودن

1. Calabresi & Melamed

هزینه‌های احقاق حق و دادرسی، به‌دنبال اجرای قرارداد با ضوابط و الزامات قانونی حاکم نروند.[۱]

### ۲-۳-۴. عدم اطمینان به نظام قضایی

در هر مسئله داوری در حقوق مالکیت، وجود پدیده انحراف داوری از وضع منصفانه و بهینه صرفنظر از منشأ آن منجر به انتقال نادرست حقوق مالکیت از یک طرف به طرف دیگر می‌شود و از این طریق امنیت و ثبات حقوق مالکیت، جای خود را به تزلزل حقوق مالکیت ناشی از وضع داوری در حقوق مالکیت خواهد داد. این انحراف، هر قدر بیشتر باشد، نااطمینانی نیز بیشتر خواهد بود.[۲] در صورتی‌که این انحراف تصادفی نبوده و با جهت‌گیری دستگاه قضا به سمت بخشی خاص از جامعه باشد، سبب خواهد شد تا افراد اعتماد خود به نظام قضایی کاهش دهند. بنابراین یکی از مواردی که می‌تواند سبب کاهش تمایل به پیگیری مفاد قرارداد شود، عدم ضمانت اجرا برای قانون است که می‌تواند به‌دلایل عمده همچون فساد، بروز کند. در این بخش می‌توان احتمال بروز فساد در دستگاه اداری، عدم اجرای قانون، عدم تقارن در اجرای قانون، اثر قدرت‌های جامعه بر نحوه اجرای قانون و... را که در بسیاری از شاخص‌های حقوق مالکیت مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرد، نام برد. به‌گونه‌ای که عدم اطمینان به دستگاه قضا می‌تواند با بالا بردن هزینه‌های مبادله سیاسی سبب اثرات منفی بر امنیت در حقوق مالکیت افراد شود.[۳]

### ۴-۴. عدم اجرای قانون

یکی دیگر از مواردی که احتمال بروز نقض مالکیت وجود دارد، زمانی است که فرد پس از تخطی طرف مقابل به طرح دعوی روی آورد، اما فرآیند دادرسی به‌درستی و منطبق بر قانون انجام نشود.

---

۱. گزارش انجام کسب‌وکار، ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که در ایران برای اجرای قرارداد ۵۰۵ روز زمان لازم است، که ۳۰ روز برای تشکیل پرونده، ۲۹۵ روز برای دادرسی و قضاوت و ۱۸۰ روز برای اجرای حکم زمان لازم است. علاوه‌بر این تقریباً ۱۷ درصد از ارزش خواسته صرف اجرای قرارداد می‌شود که ۱۰درصد آن دستمزد وکیل، ۲ درصد هزینه دادگاه و ۵ درصد نیز هزینه اجرای حکم می‌باشد. انجام این موارد نیز مستلزم انجام ۳۹ مرحله کاری است. برای مطالعه بیشتر ر.ک.: بانک جهانی، پیشین، ص ۷۹.

۲. برای مطالعه تخصصی‌تر در این‌باره، ر.ک.: شهرام معینی و محسن رنانی (۱۳۸۹)، «مسئله داوری در حقوق مالکیت؛ صورتبندی، طراحی مکانیسم و استخراج تابع بهترین عکس‌العمل در چارچوب نظریه بازی، اقتصاد تطبیقی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره اول، صص ۱۷۰-۱٤۷.

۳. یکی از مهمترین دلایل بی‌اعتمادی به دستگاه قضا وجود فساد در آن است، مشفق (۱۳۸۵) اعتقاد دارد که عوامل حقوقی مؤثر در فساد را می‌توان به این صورت معرفی کرد: ۱. وجود قوانین متعارض و گاه نفی‌کننده یکدیگر؛ ۲. فقدان شفافیت، صراحت و تفسیرپذیری در قانون؛ ۳. کلی‌گویی و ابهام‌گویی در تصویب قوانین؛ ٤. واگذاری اختیارات گسترده و غیربهینه به مسئولان غیرلایق؛ ۵. فقدان تعاریف مشخص حقوقی از جرائم؛ ٦. پیش‌بینی نشدن جرم اقتصادی در قوانین؛ ۷. فقدان تعریف روشن از اخلال در نظام اقتصادی؛ ۸. تقسیم و توزیع طولی و متمرکز قدرت؛ ۹. عدم شفافیت در حیطه اعمال قدرت؛ ۱۰. فقدان مجازات مؤثر برای عدم اجرای قانون؛ ۱۱. عدم آگاهی عموم از قانون علاوه‌بر موارد فوق، در صفحه ۱۷ از گزارش موارد دیگر همچون وجود انحصار، فقدان ثبات سیاسی و مدیریتی، اقتصاد پنهان، پایین بودن حقوق کارکنان دولت، فقدان نظارت، مصونیت قانونی برخی از گروه‌های قدرت در جامعه، سیطره دولت بر مالکیت عرصه‌های اقتصادی، جانبداری دولت از گروه‌های خاص، فقدان نقش مؤثر برای احزاب و... نیز به‌عنوان متغیرهای اثرگذار بر فساد در ایران نام برده است.

حال سؤال اینجاست چه دلایلی می‌تواند این احتمال را افزایش دهد که دادرسی عادلانه شکل نگرفته و قانون اجرا نشود؟ به‌عبارت دیگر تا به اینجا مواردی بود که به این سؤال پاسخ می‌داد که چرا قراردادی شکل نمی‌گیرد، یا به چه دلیل طرفین قرارداد بر مفاد آن پایبند نخواهند بود؟ به‌عبارت دیگر تا اینجا بر انجام قرارداد تأکید شد که آیا اولاً این قرارداد از لحاظ احقاق حقوق منطقی و قانونی طرفین مبادله، قابل توجیه است یا خیر و در ادامه چرا افراد به مفاد قراردادی پایبند و چرا قراردادهایی را نقض می‌کنند. اما در ادامه به این بحث خواهیم پرداخت که در صورتی‌که افراد به قراردادهای خود پایبند نباشد، آیا ضمانت اجرایی برای مقابله با این رفتار در جامعه وجود دارد یا خیر؟ به‌گونه‌ای که نظریه‌های حقوق و اقتصاد نیز تأکید دارند که یک نظام حقوقی علاوه‌بر تشویق چانه‌زنی، به‌دنبال به حداقل رساندن عدم توافق می‌باشد. هابز معتقد بود که حتی زمانی که موانع جدی برای چانه‌زنی وجود ندارد، افراد به‌ندرت برای توافق بر تقسیم مازاد حاصل از همکاری، عقلایی عمل می‌کنند و طبیعت آنان را به سمت اختلاف هدایت می‌کند؛ مگر آنکه شخص ثالث قوی‌تری آنان را مجبور به توافق نماید (کوتر و یولن، ۱۳۸۸: ۱۲۷). بنابراین قضیه هنجاری هابز بیان می‌کند که قوانین باید به‌گونه‌ای ساختاربندی شوند که صدمه ناشی از شکست توافقات خصوصی را به حداقل برسانند. اما سؤال اینجاست که چه متغیرهای می‌تواند این ضمانت اجرای قانون و قرارداد را تحت‌الشعاع قرار دهد. عدم اجرای قرارداد و قانون می‌تواند به‌دلیل دادگاه‌های فاسد و یا قواعد حقوقی جزمی باشد، به‌گونه‌ای که بازی نمایندگی، به‌روشنی نشان می‌دهد در صورتی‌که دادگاه‌ها مناسب و درستکار باشند، طرفین می‌توانند یک قرارداد لازم‌الاجرا را منعقد کنند؛ اما در غیر این صورت نمی‌تواند بر اجرای قانون مطمئن بود (کوتر و یولن، ۱۳۸۸: ٢٦٤) در بحث عدم اجرای قانون مباحث فراوانی قابل ذکر است؛ مباحثی همچون فساد دستگاه‌های اداری، فقدان حاکمیت قانون. بعضاً این احتمال وجود دارد که بروز فساد و رشوه‌خواری در دستگاه‌های اداری سبب عدم اجرای قانون و یا بالا بردن زمان و هزینه‌های اجرای آن برای طرفین مبادله شود، ازاین‌رو افراد دیگر به‌دنبال احقاق حق خود نروند. روشن است که تخلف از قانون در این بخش می‌تواند به اَشکال مختلف واقع شود: عدم اجرا، اجرای ناقص، رکود، توقف، نیمه‌رکود و یا نقض، که تمامی اینها سبب خواهد شد تا قانون اجرا نشود. بنابراین در اینجا بحث عدالت قضایی مطرح می‌شود. عدالت قضایی به معنای رسیدگی بی‌طرفانه، منصفانه و ضابطه‌مند به دعاوی، تظلمات و جرائم توسط مقام قضایی است (پروینی، ۱۳۸۸).[۱]

---

۱. کاظمی و فضلی (۱۳۸۸) در مطالعه خود مصادیقی را برای تبیین جرائم علیه عدالت قضایی در مسیر دادرسی عادلانه معرفی می‌کنند که از آن میان می‌توان موارد ذیل را نام برد: الف) رشوه و اخلال در نظام اداری (برای مثال: ۱. حقوق ایران به بعضی از افراد که می‌توانند مرتکب جرم رشا و ارتشا شوند توجهی نشده، مثلاً اعضای هیئت منصفه و یا اعضای شورای حل اختلاف. ۲. علاوه‌بر این در حقوق ایران تنها مال عامل رشوه می‌باشد، درحالی که منفعت و امتیازها نیز باید جزئی از رشوه باشد. ۳. در حقوق ایران اضطرار در

## ۵. عملکرد ایران در شاخص‌های حقوق مالکیت

با توجه به مواردی که تا به اینجا ذکر شد متغیرهایی را به‌عنوان مهمترین متغیرهای در تحدید و نقض حقوق مالکیت شناسایی کرده‌ایم. در این بخش با مطالعه داده‌های حاصل از پیمایش‌های جهانی جایگاه ایران را در هریک از متغیرهای فوق و شاخص‌های نزدیک به آن معرفی خواهیم کرد. لازم به‌ذکر است به‌دلیل مبسوط بودن هر کدام از گزارش‌ها، قادر به توضیح زیربخش‌های آن نخواهیم بود و تنها مواردی را که به متغیرهای اثرگذار بر حقوق مالکیت مرتبط هستند را معرفی خواهیم کرد.

---

پرداخت رشوه بر طبق تبصره ماده (۵۹۲) از قانون مجازات اسلامی از موارد رافع مسئولیت کیفری است) ؛ ب) اعمال نفوذ (ماده (۱۸) کنوانسیون مبارزه با فساد)؛ ج) تجاوز به آزادی اشخاص (در مواد (۵۷۳) و (۵۷۵) از قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ به تفصیل تبیین شده است، اما قوانین ایران تنها قضات را دربر می‌گیرد و راجع به مسئولان اداری تصریحی ندارد)؛ د) عدم اعلام جرم توسط مسئولان ذیربط (این مورد در حقوق ایران دیده نشده است)؛ برای مطالعه بیشتر در مورد مباحث حقوقی مرتبط با عدم اجرای عدالت قضایی و عوامل مؤثر بر آن، ر.ک.: مهرداد کاظمی و یاور فضلی (۱۳۸۸)، «جرائم علیه عدالت قضایی مطالعه تطبیقی حقوق ایران و لبنان»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ٤٦ و ٤٧، صص ١٦٤-١٢٣.

**جدول ۲. عملکرد ایران در شاخص‌های حقوق مالکیت**

| شاخص مورد نظر | دامنه شاخص | عملکرد ایران | رتبه ایران | کل نمونه |
|---|---|---|---|---|
| **شاخص سهولت انجام کسب‌وکار ۲۰۱۳** | | | | |
| شاخص سهولت در ثبت مالکیت[۱] | ۰–۱۰۰ | ۵۱/۲ | ۱۶۵ | ۱۸۵ |
| دریافت اعتبار[۲] | ۰–۱۰۰ | ۵۶/۳ | ۸۳ | ۱۸۵ |
| حمایت از سهام‌داران خرد | ۰–۱۰۰ | ۳۸/۱ | ۱۵۰ | ۱۸۵ |
| اجرای قراردادها | ۰–۱۰۰ | ۶۱/۷ | ۵۳ | ۱۸۵ |
| حل‌وفصل ورشکستگی | ۰–۱۰۰ | ۲۵/۳ | ۱۲۶ | ۱۸۵ |
| **شاخص آزادی اقتصادی ۲۰۱۲ [۳]** | | | | |
| عملکرد نظام قضایی و حقوق مالکیت | ۰–۱۰ | ۶/۴ | ۵۱ | ۱۴۴ |
| استقلال قضایی | ۰–۱۰ | ۴/۶۹ | – | |
| حفاظت از حقوق مالکیت | ۰–۱۰ | ۵/۶۳ | – | |
| بیطرفی دادگاه‌ها | ۰–۱۰ | ۳/۷۶ | – | |
| مداخله نظامی در امور سیاسی و حاکمیت قانون | ۰–۱۰ | ۸/۳۳ | – | |
| یکپارچگی نظام قضایی | ۰–۱۰ | ۶/۶۷ | – | |
| اجبار قضایی برای قراردادها | ۰–۱۰ | ۵/۶۳ | – | |
| محدودیت‌های مقرراتی برای خرید و فروش اموال | ۰–۱۰ | ۵/۸۷ | – | |
| قابلیت اعتماد به پلیس | ۰–۱۰ | ۵/۷ | – | |
| هزینه‌های جرم | ۰–۱۰ | ۵/۷۷ | – | |
| **شاخص شفافیت و فساد ۲۰۱۲ [۴]** | | | | |
| شاخص فساد *CPI* | ۰–۱۰۰ | ۲۸ | ۱۳۳ | ۱۷۶ |
| **شاخص آزادی اقتصادی هرتیج بخش حاکمیت قانون[۵] ۲۰۱۳** | | | | |
| حقوق مالکیت | ۰–۱۰۰ | ۱۰ | ۱۶۵ | ۱۸۵ |
| فساد[۶] | ۰–۱۰۰ | ۲۷ | ۱۱۸ | ۱۸۵ |
| **شاخص جهانی حقوق مالکیت *IPRI* [۷] آمارهای سال ۲۰۱۲** | | | | |
| شاخص کلی تأمین حقوق مالکیت *IPRI* | ۰–۱۰ | ۴/۳ | ۱۰۷ | ۱۳۰ |
| شاخص محیط حقوقی و سیاسی | ۰–۱۰ | ۳/۵ | ۱۰۵ | ۱۳۰ |
| شاخص حقوق مالکیت فیزیکی | ۰–۱۰ | ۵/۵ | ۱۰۱ | ۱۳۰ |
| شاخص حقوق مالکیت فکری | ۰–۱۰ | ۳/۸ | ۱۰۸ | ۱۳۰ |
| **شاخص ریسک ۲۰۱۱ [۸]** | | | | |
| نظام پاسخگویی[۹] | ۰–۱ | ۰/۶۳ | ۷۹ | ۱۴۰ |
| ثبات سیاسی و نبود خشونت و درگیری[۱۰] | ۰–۱ | ۰/۵ | ۱۳۵ | ۱۴۰ |
| کارآیی دولت | ۰–۱ | ۰/۵ | ۵۳ | ۱۴۰ |
| کیفیت مقررات[۱۱] | ۰–۱ | ۰/۳۲ | ۱۳۲ | ۱۴۰ |
| حاکمیت قانون | ۰–۱ | ۰/۶۷ | ۵۱ | ۱۴۰ |
| کنترل فساد | ۰–۱ | ۰/۲۵ | ۱۲۸ | ۱۴۰ |
| **زیربخش‌های موجود در شاخص *GCI* [۱۲] ۲۰۱۳–۲۰۱۲** | | | | |
| حفاظت از حقوق مالکیت | ۱–۷ | ۴/۶ | ۵۵ | ۱۴۴ |
| حفاظت از حقوق مالکیت فکری | ۱–۷ | ۲/۹ | ۱۱۲ | ۱۴۴ |
| میزان اعتماد عمومی به سیاستمداران کشور | ۱–۷ | ۳/۷ | ۳۵ | ۱۴۴ |

| شاخص مورد نظر | دامنه شاخص | عملکرد ایران | رتبه ایران | کل نمونه |
|---|---|---|---|---|
| شاخص پرداخت رشوه و سایر پرداخت‌های غیرمعمول | ۱-۷ | ٤/۱ | ٦۲ | ۱٤٤ |
| میزان استقلال قضایی | ۱-۷ | ٤ | ٦۳ | ۱٤٤ |
| جانبداری مقامات دولتی از گروه‌های خاص در تصمیم‌گیری‌ها | ۱-۷ | ۳/۲ | ٤۱ | ۱٤٤ |
| کارآیی نظام قضایی کشور برای حل اختلافات | ۱-۷ | ۳/٦ | ۷۷ | ۱٤٤ |
| کارآیی نظام حقوقی در تغییر قوانین | ۱-۷ | ۳/۱ | ۱۰٤ | ۱٤٤ |
| شفافیت در سیاستگذاری دولت | ۱-۷ | ۳/٦ | ۱۲۷ | ۱٤٤ |
| اطمینان از خدمات پلیس | ۱-۷ | ٤/٥ | ٥٦ | ۱٤٤ |
| حفاظت از منافع سهامداران و سرمایه‌داران خرد در نظام حقوقی | ۱-۷ | ٤/۱ | ۷۸ | ۱٤٤ |
| اجرای سیاست‌های ضدانحصار و حمایت از رقابت | ۱-۷ | ٤/۱ | ٦۰ | ۱٤٤ |
| دسترسی به وام بدوم ضامن | ۱-۷ | ۱/۷ | ۱٤۱ | ۱٤٤ |
| درجه حمایت قانون از وام‌گیرندگان و سپرده‌گذاران | ۰-۱۰ | ٤ | ۹۹ | ۱٤٤ |
| **شاخص جهانی کارآفرینی [۱۳] ۲۰۱۲** | | | | |
| شاخص ترس از شکست [۱٤] | ۰-۱۰۰ | ۳۹/۸٦ | ۳۹ | ٦۷ |
| کارآفرینی اجباری[۱٥] | ۰-۱۰۰ | ٤/٥۳ | ۱۷ | ٦۷ |

(1) Registering Property

در زیر بخش‌های این مورد می‌توان مشاهده کرد که تعداد فرآیندهای اداری برای ثبت مالکیت در ایران برابر با ۹ فعالیت است که برای این کار تقریباً باید ۳٦ روز زمان صرف کرد و ۱۰/٥ درصد از ارزش دارایی باید بابت هزینه‌های ثبت مالکیت خرج شود. ر.ک.: بانک جهانی (۱۳۹۲)، ص ۳۲.

(2) Getting Credit

(۳) شاخص جهانی آزادی اقتصادی (Economic Freedom of the World) شامل زیربخش‌های اندازه دولت ( Size of Government) سیستم قضایی و حقوق مالکیت (Legal System and Property Rights) پول پرقدرت (Sound Money) آزادی تجارت جهانی (Freedom to Trade Internationally) و مقررات (Regulation) می‌باشد. در بخش اول از این شاخص مقدار حقوق مالکیت و کارآیی نظام قضایی اندازه‌گیری می‌شود که شامل استقلال قضایی (Judicial independence)، بی‌طرفی دادگاه‌ها (Impartial courts)، حفاظت از حقوق مالکیت (Protection of property rights)، مداخله نظامی در امور سیاسی و حاکمیت قانون (Military interference in rule of law and politics)، یکپارچگی نظام قضایی (Integrity of the legal system)، لازم‌الاجرا بودن قراردادها (Legal enforcement of contracts)، محدودیت‌های قانونی برای خرید و فروش مال ( Regulatory restrictions on the sale of real property)، اعتماد به پلیس (Reliability of police)، و هزینه‌های جرم (Reliability of police) می‌شود.

(٤) «Corruption Perceptions Index»؛ برای دستیابی به آمار این شاخص ر.ک.: http://www.transparency.org/country#IRN

(٥) یکی از بخش‌های شاخص آزادی هرتیج مربوط به «حاکمیت قانون» است که خود از دو زیربخش حقوق مالکیت و آزادی در انجام فساد تشکیل شده است.

(6) Freedom from Corruption

(۷) شاخص حقوق مالکیت بین‌المللی (International Property Rights Index ) کشورهای دنیا را از لحاظ برخورداری از حقوق مالکیت (فیزیکی و فکری) با هم مقایسه می‌کند. در این شاخص نمره‌ای از ۰ تا ۱۰ به هر کشور داده می‌شود. نمره ۱۰ نشان‌دهنده بهترین حالت و بالاترین حد تأمین حقوق مالکیت و نمره صفر نشانگر کمترین حقوق مالکیت می‌باشد. این شاخص متشکل از سه دسته از اجزای اساسی زیر می‌باشد: محیط قانونی و سیاسی، حقوق مالکیت فیزیکی و حقوق مالکیت فکری. محیط حقوقی و سیاسی (Legal and Political Environment ) (در این بخش میزان استقلال قضایی، میزان حاکمیت قانون، میزان ثبات سیاسی و میزان کنترل فساد اداری کشورها با هم مقایسه می‌شود). حقوق مالکیت فیزیکی (Physical Property Rights) و حقوق مالکیت فکری (Intellectual Property Rights). محیط حقوقی و سیاسی، خود شامل چهار زیرمجموعه است. اولین متغیر، شاخص استقلال قضایی (Judicial Independence) است که به نمایش میزان آزادی قضایی از تأثیر گروه‌های تجاری و سیاسی در جامعه می‌پردازد. این متغیر درجه مصونیت قوه قضائیه از نفوذ و فشار گروه‌های سیاسی و تجاری را بررسی می‌کند. روشن است که استقلال قوه قضائیه، ستون اصلی برای حمایت همه‌جانبه از نظام دادرسی مرتبط با مالکیت خصوصی می‌باشد. بنابراین در اینجا هر متغیری که سبب کاهش استقلال قوه قضائیه شود (اعم از عدم تقارن اطلاعاتی، انحصار، جانبداری دولت از گروه‌های خاص و...) سبب کاهش میزان برخورداری از حقوق مالکیت خواهد شد. دومین شاخص معروف به برابری همگان در مقابل قانون می‌باشد. این متغیر میزان اعتماد به انجام مساوی قوانین در اجتماع را اندازه‌گیری می‌کند و از شاخص‌های متعددی همچون امانتداری، اجرا، سرعت، هزینه نظام دادرسی، حفاظت حقوق مالکیت خصوصی به‌دست می‌آید. در اینجا نیز مشخص است که هر متغیری که سبب شود تا دستگاه قضا نگرش مساوی به افراد نداشته باشد (همانند فساد، عدم تقارن قدرت، جانبداری دستگاه قضا) می‌تواند سبب فقدان نظامی کامل برای تضمین حقوق مالکیت شود. سومین شاخص، بیانگر ثبات سیاسی ( Political Stability) است. درجه ثبات سیاسی بر انگیزه افراد برای به‌دست آوردن یا بسط مالکیت و یا مدیریت دارایی‌ها اثر خواهد داشت. بی‌ثباتی بیشتر در دولت‌ها قاعدتاً سبب کاهش در انگیزه افراد برای مالکیت فردی خواهد شد. چهارمین مورد از متغیرها نیز که برای اندازه‌گیری محیط حقوقی و سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد، شاخص فساد (Corruption) است. فساد از ترکیب چندین شاخص همچون انواع فسادهای خرد، فسادهای کلان، جانبداری دولت از گروه‌های خاص و ... به‌دست می‌آید. در اینجا نیز فساد بر اطمینان مردم به اجرای سالم حقوق مالکیت تأثیر مستقیمی خواهد داشت، به‌عبارت دیگر فساد درجه غیررسمی بودن اقتصاد را منعکس می‌کند که عامل اخلال در احترام و رعایت بیشتر مالکیت خصوصی می‌باشد.

دسته دوم از متغیرها دربرگیرنده حقوق مالکیت فیزیکی هستند. برای اندازه‌گیری حقوق مالکیت فیزیکی نیز از سه دسته از شاخص‌ها استفاده شده است. اولین دسته که مستقیماً به اندازه‌گیری میزان قدرت نظام حقوق مالکیت کشورها می‌پردازد و به کیفیت دستگاه قضایی در برابر حفاظت از مالکیت خصوصی شامل دارایی‌های مالی می‌پردازد. به‌عبارت دیگر این متغیر نظر کارشناسان درباره کیفیت حمایت قضایی از مالکیت خصوصی شامل دارایی‌های مالی و همچنین شفافیت قانون مالکیت را منعکس می‌کند. دومین شاخص مربوط به ثبت دارایی‌ها (Registering Property ) است. این متغیر دیدگاه صاحبان کسب‌وکار درباره میزان دشواری ثبت اموال از نظر تعداد روز و مراحل مورد نیاز را نمایش می‌دهد. براساس اطلاعات مربوط به این متغیر می‌توان فرآیند لازم برای انتقال یک دارایی (زمین یا ساختمان) از فروشنده به خریدار را استنباط کرد. این اطلاعات می‌تواند بسیار مفید باشد، زیرا هر اندازه ثبت مالکیت سخت‌تر باشد، احتمال بیشتری وجود خواهد داشت تا دارایی‌ها در بخش غیررسمی اقتصاد باقی بمانند و حقوق مالکیت را محدود کند. علاوه‌بر این موانع موجود در ثبت دارایی‌ها جلوی انتقال بهینه آنها را می‌گیرد. این متغیر یکی از استدلال‌های اقتصادی اصلی را که هرناندو دسوتو مطرح کرد منعکس می‌کند. سومین دسته از متغیرها به اندازه‌گیری میزان دسترسی به وامAccess to Loans می‌پردازد. از آنجایی که دسترسی به وام بانکی بدون وثیقه می‌تواند متغیر جانشینی برای نشان دادن درجه توسعه‌یافتگی نهادهای مالی و به‌عبارت دیگر قدرت سیستم اقتصادی در رسمی کردن سرمایه‌های مرده موجود در بخش غیررسمی شود، است این شاخص نیز برای محاسبه حقوق مالکیت در نظر گرفته می‌شود. برای مطالعه بیشتر ر.ک.: حسن دلیری (۱۳۹۰).

(۸) راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری (The International Country Risk Guide) شامل ۱۲ متغیر است که مقدار ریسک سیاسی و کیفیت محیط کسب‌وکار را در کشورها اندازه‌گیری می‌کند. برای دسترسی به داده‌ها مراجعه کنید به www.prsgroup.com

(9) Voice and Accountability

(10) Political Stability and Absence of Violence

(11) Regulatory Quality

(۱۲) در محاسبه شاخص (The Global Competitiveness Report) از ۱۲ رکن اصلی استفاده می‌شود. اولین مورد از این زیربخش‌ها در مورد نهادهاست که از ۲۲ سؤال تشکیل شده است. دومین رکن سؤالاتی در مورد زیرساختار است. که شامل ۹ زیربخش می‌باشد. سومین رکن مربوط به محیط اقتصاد کلان است که دارای ٥ زیربخش است. رکن چهارم مربوط به سلامت و آموزش ابتدایی بوده و دارای ۱۰ زیربخش می‌باشد. رکن پنجم مربوط به آموزش عالی بوده و دارای ۸ زیربخش است. رکن ششم مربوط به کارآیی بازار کالا بوده و دارای ١٦ زیربخش است. هفتمین رکن در مورد کارآیی بازار کار بوده و دارای ۸ زیربخش می‌باشد. هشتمین رکن مربوط به توسعه بازارهای مالی بوده و دارای ۸ زیربخش است. نهمین رکن این شاخص مربوط به آمادگی‌های تکنولوژیکی بوده و دارای ۷ زیربخش می‌باشد. دهمین رکن اندازه بازار را اندازه‌گیری کرده و ٤ زیربخش دارد. یازدهمین رکن پیچیدگی‌های کسب‌وکار را با ۹ زیربخش اندازه می‌گیرد. رکن ۱۲ در مورد نوآوری بوده و ۷ زیربخش دارد. این شاخص مقداری بین ۱ تا ۷ داشته و هر چه نمره بالاتر باشد مقدار حمایت بالاتر از مالکیت خصوصی را نشان می‌دهد.

(۱۳) برای مطالعه بیشتر در این مورد ر.ک.: معاونت پژوهشی دانشکده کارآفرینی، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ارزیابی شاخص جهانی کارآفرینی در ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۲۹۲٦، فروردین ۱۳۹۲.

(١٤) نشانگر درصد جمعیت بزرگسال ٦٤–۱۸ سال که درگیر فعالیت‌های کارآفرینانه نبوده و ترس از شکست مانع راه‌اندازی کسب‌وکار توسط آنان می‌شود.

(۱٥) به فعالیت‌هایی اشاره دارد که از روی اجبار و به‌دلیل عدم وجود سایر گزینه‌های کاری به‌وجود آمده است.

بنابراین به‌صورت کلی سؤالات بالا می‌تواند زیربخش‌های مهمی از تأمین حقوق مالکیت را در جامعه اندازه‌گیری نماید. ازاین‌رو با استفاده از مبانی نظری موجود در این بخش و روش‌های استاندارد اندازه‌گیری حقوق مالکیت، می‌توان راهکاری را برای اندازه‌گیری این متغیر در اقتصاد ایران ارائه داد.

## منابع و مآخذ


۱. بانک جهانی، «وضعیت ایران در گزارش انجام کسب‌وکار بانک جهانی، ۲۰۱۳»، ترجمه فرید قادری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (گروه مطالعات محیط کسب‌وکار)، شماره مسلسل ۱۲۹٤۸، بهار ۱۳۹۲.

۲. پروینی، علی. جرائم علیه عدالت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی، *نشریه پیام آموزش*، شماره ٤۰، ۱۳۸۸.

۳. چمبرز، رابرت. توسعه روستایی، اولویت بخشی به فقرا، ترجمه مصطفی ازکیا، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۹۹۸.

٤. حبیبا، سعید و غلامحسین معتمدی. «حمایت از دانش سنتی به‌عنوان یکی از اجزای حقوق مالکیت فکری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۲، ۱۳۸۵.

۵. حکمت‌نیا، محمود. بررسی فقهی و اقتصادی مالکیت فکری»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، سال نهم، شماره ۳۳، ۱۳۸۸.

٦. رنانی، محسن. «به‌سوی یک تئوری در حقوق مالکیت»، تألیف هرولد دمستز، فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۱۰، ۱۳۸۰.

۷. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، همایش ملی بررسی حقوق مالکیت صنعتی در جمهوری اسلامی ایران و جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی در تجارت بین‌الملل، تهران، ۱۳۷۵.

۸. صامتی، مجید و ابوالفضل جنتی. «بررسی نقش هزینه مبادله بر تورم رکودی در ایران»، *جستارهای اقتصادی*، شماره ۱، ۱۳۸۳.

۹. کاتوزیان، امیرناصر. اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدنی، نشر میزان، ۱۳۸۳.

۱۰.کوترلر، رابرت و تامس یولن. *حقوق و اقتصاد*، ترجمه یدالله دادگر و حامد اخوان، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه مدرس و نورعلم، ۱۳۸۹.

۱۱.مدر، لوئیس. «ارزیابی تأثیرات: به‌سوی ارتقای کیفی قانونگذاری» در: حسن وکیلیان (تألیف و ترجمه)، گفتارهایی در قانون و قانونگذاری، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.

۱۲. مرکزمالمیری، احمد. «تأثیر کمّیت و کیفیت مقررات بر محیط کسب‌وکار»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (گروه مطالعات محیط کسب‌وکار)، شماره مسلسل ۱۲۳۱۳، زمستان ۱۳۹۰.

۱۳. مرکزمالمیری، احمد. *حاکمیت قانون: مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵.

۱٤. مشفق، محمدعلی. «آسیب‌شناسی اجتماعی فساد اداری و اقتصادی در ایران»، گزارش‌های راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی / گروه پژوهشی اجتماعی، ۱۳۸۵.

۱۵. میرحسینی، سیدحسن. *حقوق نشانه های جغرافیایی*، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵.

16. Acemoglu, Johnson and Robinson (2001), the Colonial Origins of Comparative Development: An Empirical Investigation. American Economic Review 91, 1369-1401.
17. Adams, D., Disberry, A., Hutchison, N., & Munjoma, T. (2001). Ownership constraints to brown field redevelopment. Environment and Planning A, 33, 453–477.
18. Allen, D. W. (1999). Transaction costs. Essay on the history, use and significance of the termtransaction costs.PDF file.Online, available from: <http://coase.org/linksandresources.htm> Accessed 2003.
19. Ayyagari Meghana and Asli Demirgüç-Kunt and Vojislav Maksimovic (2006), What determines protection of property rights? An Analysis of Direct and Indirect Effects, working paper, School of Business, George Washington University.
20. Bailey, E. (2001). A regulatory framework for the 21st century. Frontiers of knowledge. Centennial Public Lecture Series. Princeton, NJ: Princeton University. Powerpoint presentation. Online, available from: <http://www.princeton.edu/centennial/bailey/sld021.htm> Accessed 10 December 2008.

21. Barzel, Y (1997), Economic Analysis of Property Rights, Cambridge: Cambridge University Press.
22. Barzel, Y. (1989). Economic analysis of property rights. Cambridge,UK: Cambridge University Press.
23. Benham, A. & Benham, L. (1997). Property rights in transition economies: A commentary on what economists know.' In J.M. Nelson, C.Tilley, & L.Walker. (Eds.), Transforming post-communist political economies. Washington, DC: National Academy Press. Online, available from The Ronald Coase Institute website and at <http://www.nap.edu/html/transform/sec-1.htm> Accessed 2003.
24. Braidwood, R. and G. Willey eds. (1962), Courses Toward Urban Life: Archacological Considerations and some cultural Alternative, Chicago: Aldine.
25. Brooks Robert and Sinclair Davidson and Robert Faff (2003), Sudden changes in property rights: the case of Australian native title, Journal of Economic Behavior & Organization, Vol. 52 (2003) 427–442
26. Calabresi, G. and A.D. Melamed, 1972, Property rules, liability rules, and inalienability: one view of the cathedral. Harvard Law Review, 85.
27. Cheung, S.N.S. 1969, A Theory of Share Tenancy, Chicago, University of Chicago Press.
28. Cheung, S.N.S. 1970, the Structure of a Contract and the Theory of a Nonexclusive Resource, Journal of Law and Economics, 13.
29. Cheung, S.N.S. 1974, A Theory of Price Control, Journal of Law and Economics, 12.
30. Cheung, S.N.S. 1983, the Contractual Nature of the Firm, Journal of Law and Economics, 17.
31. Coase, R. H. (1998). More about the Institute. Online, available from Ronald Coase Institute website: <http://www.coase.org/ moreabouttheinstitute.htm> Accessed 2002. (See also Newsletter of the International Society for New Institutional Economics (Spring).)
32. Demsetz, H. (1967). Towards a theory of property rights. American Economic Review, Papers and Proceedings, 57(2), 347–359.
33. Dulal Miah, (2012), In Quest of Judicial Independence for Protecting Private Property: Evidence from constitutional Review in South Korea, Asian Journal of Law and Economics, vol. 3, issue 1, pages 3.
34. Easterly and Levine, (1997). Africa's growth tragedy: policies and ethnic divisions. Quarterly Journal of Economics 112, 1203-1250.
35. Ellickson, R., 1989. A hypothesis of wealth-maximizing norms: evidence from the whaling industry, Journal of Law, Economics. and Organization 5, 83–97. Reproduced in: Masten, S. (Ed.), 1996. Case Studies in Contracting and Organization. Oxford University Press, Oxford, pp. 29–42..
36. Ellickson, R., 1991. Order Without Law: How Neighbors Settle Disputes. Harvard University Press, Cambridge, MA.
37. Engerman and Sokoloff (1997), Factor endowments, institutions, and differential paths of growth among new world economies. In Haber, S.H. (Ed.), How Latin America Fell Behind, Stanford University Press, Stanford CA, pp. 260-304.
38. Friedman, Daniel,(1989), The Efficient Breach Fallacy, The Journal of Legal Studies, Vol 18, No 1, at: http://wwwjstororg.
39. Friend, J., & Hickling, A. (1987). Planning under pressure: The strategic choice approach. New York: Pergamon Press.
40. Furubotn, E. G., & Richter, R. (2000). Institutions and economic theory: The contribution of the new institutional economics. Ann Arbor, MI: The University of Michigan Press.
41. Geurts, T. G.,&Jaffe, A. J. (1996). Risk and real estate investment: An international perspective. The Journal of Real Estate Research, 11(2), 117–130.
42. Greif, A. (1998). Historical and comparative institutional analysis. America Economic

Review, 88(2), 80–84.
43. Hopkins, L. D. (1981). The decision to plan: Planning activities as public goods. In W.R. Lierop & P. Nikamp, (Eds.). Urban infrastructure, location and housing. Alphen aan den Rijn: Sijthoff and Noordhoff.
44. Jaffe, A. J., & Louziotis, D., Jr. (1996). Property rights and economic efficiency: A survey of institutional factors. Journal of Real Estate Literature, 4, 137–159.
45. Jiahua Che & Yingyi Qian, (1998). "Insecure Property Rights and Government Ownership of Firms," The Quarterly Journal of Economics, MIT Press, vol. 113(2), pages 467-496, May.
46. Kaufman, B. E. (2003)," The organization of economic activity: insights from the institutional theory of John. R. ommons", Journal of Economic Behavior & Organization, 52: 71-96.
47. Klaes, M. 2008, History of Transaction Costs, in The New Palgrave Dictionary of Economics, 2nd edition, S. N. Durlauf and L.E. Blume, eds., New York: Palgrave Mcmillan ,Vol.8.
48. La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A., Vishny, R.W., 1998. Law and finance. Journal of Political Economy 106, 1113-1155
49. LAHAV, GIL,( 2000), A principle of justified promise-breaking and its application tocontract,at:www1.law.nyu.edu/pubs/annualsurvey/documents/57%20N.Y.U.%20Ann.%20Surv.%2 0Am.%20L.%20163%20(2000).pdf.
50. Libecap, G. D. (1986). Property rights in economic history: Implications for research. Explorations in Economic History, 23(3), 227–252.
51. Maliti Musole (2009), Property rights, transaction costs and institutional change:Conceptual framework and literature review, Progress in Planning 71 (2009) 43–85.
52. Matthews, R. C. O. (1986). The economics of institutions and the sources of growth. The Economic Journal, 96(384), 903–928.
53. Matthews, R. C.O. 1986. The Economics of Institutions and the Sources of Economic Growth, Economic Journal, Vol. 96(4): 903-18.
54. McHardy, J. P. (2000). .Miscalculations of Monopoly and Oligopoly Welfare Losses with Linear Demand.. Hull Economic Research Papers, November.
55. Musole, Maliti (2009). Property rights, transaction costs and institutional change: Conceptual framework and literature review, Progress in Planning 71 (2009) 43–85.
56. North, D. 1991. Institutions, Journal of Economic Perspectives, Vol. 5 (1): 97-112 Riker, W.H. and Sened, I. 1991. The Political Theory of the Origin of Property Rights: Airport Slots, American Journal of Political Science, 35, pp. 951-969.
57. North, D. C. (1987). Institutions, transaction costs and economic growth. Economic Inquiry, 25(3), 419–428.
58. North, D. C. (1990). Institutions, institutional change and economic performance. Cambridge and New York: Cambridge University Press.
59. Sened, I., 1997. The Political Institution of Private Property. Cambridge University Press, Cambridge.
60. Stulz and Williamson, (2003). Culture, Openness and Finance. Journal of Finance 70, (3), 313-49.
61. Suzuki Yasushi, Dulal Miah (2007). Incomplete Property Rights under Political Uncertainties: A critique of the new institutionalist view, www.en.kyushu-u.ac.jp/aslea/apapers/DULAL.pdf
62. Walters, A. A. (1983). The value of land. In H. B. Dunkerley (Ed.), Urban land policy: Issues and opportunities. Oxford, UK: Oxford University Press.
63. Yarrow, G. K. (1985): .Welfare Losses in Oligopoly and Monopolistic Competition.. The Journal of Industrial Economics, 33, 4, 515-529.

| شناسنامه گزارش | مرکز پژوهش‌ها مجلس شورای اسلامی | شماره مسلسل: ۱۳۴۴۲ |
|---|---|---|

**عنوان گزارش**: شناسایی عوامل محدودکننده و ناقض حقوق مالکیت


**نام دفتر**: مطالعات اقتصادی (گروه مطالعات محیط کسب‌وکار)

**تهیه و تدوین**: حسن دلیری

**ناظران علمی**: سیدامیر سیاح، احمد مرکزمالمیری

**مشاوران علمی**: احمد میدری، محسن رنانی

**متقاضی**: معاونت پژوهش‌های اقتصادی

**ویراستار تخصصی**: مریم احمدیان



**واژه‌های کلیدی**:

۱. حقوق مالکیت

۲. نظام حقوقی

۳. حقوق و اقتصاد

٤. قرارداد

٥. حقوق مالکیت

٦. محیط کسب‌وکار

**تاریخ انتشار**: ۱۳۹۲/۱۰/۱۸